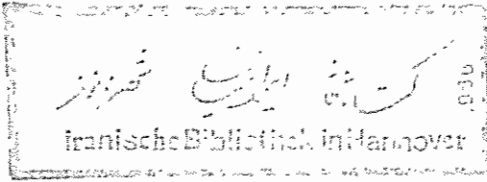


# اتحاد کارگران

ارگان مرکزی اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شماره ۱ | اسفندماه ۱۳۶۸

قیمت: ۱۰۰ ریال

## قطعه نامه ها و مصوبات کنفرانس:

- قطعه نامه وحدت ● قطعه نامه در محکومیت مشی راستروانه تاکتیکی .
- جناح دفتر سیاسی در برخورد با احزاب غیر پرولتری ● بحران تشکیلاتی
- قطعه نامه درباره چشم انداز آتی و وظائف ما ● ضوابط مبارزه
- ایدئولوژیک علنی و ... ● درباره اساسنامه موقت ما ● راجع به
- اختلافات برنامه ای ● راجع به انتزاعی و ناسیونالیسم پرولتری، ...

## پیام های کنفرانس:

- ★ پیام به زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی
- ★ پیام به کارگران و زحمتکشان ★ پیام به اعضا و هواداران راه کارگر
- ★ پیام به سازمانها، محافل و عناصر کمونیست و انقلابی .

## سرمقاله: چرا فعالیت مستقل؟

طبقه کارگر ایران انقلاب عظیمی را تجربه کرد. دوندگی جدیدی از پیشروان کارگری در مبارزه حاد طبقاتی یکدهه اخیر وارد صحنه مبارزات کارگری شده اند. طبقه کارگر متناسب با رشد کمی و کیفی اش، از راه آگاه، انقلابی و مستقل اش، سازمان داده نشده و در سیمای سازمانهای تاکنونی تجلی نیافته و در بحبوحه یکی از فرازهای مبارزه طبقاتی اش از شکل حزبی پمنا به یک طبقه بی بهره بوده است. فائق آمدن بر این مشکل بستگی به نگرش و برخورد مارکسیست-لنینیست ها به برنامه سیاسی و اسلوبهای فعالیت حزبی-توده ای دارد.

بقیه در صفحه ۲

## آیا بر مناقشات درونی رژیم پایانی متصور است؟

رهبری "حذف پست نخست وزیری، بالا بردن اختیارات رئیس جمهوری و ... آندسته از اقدامات ضربتی و شتاب زده ای بوده اند که در روزهای پایانی مرکز خمینی به منظور جایگزینی خلا قدرتی که در نتیجه فقدان حضور بلا منازع وی در جایگاه "ولایت مطلقه فقیه" حاصل می گردید، بسا دخالت و نظارت خمینی به انجام رسید.

گزینش خامنه ای در مقام "ولی امر مسلمین" از طرف شورای نگهبان، "بیعت" تمامی جناح های حکومتی با وی، انتخاب رفسنجانی بعنوان رئیس جمهوری، کسب رای

بقیه در صفحه ۳

وفاق همگانی میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر توقف و تخفیف مناقشات و تضادهای درونی در شرایطی صورت گرفته بود که "احساسی خطر" و از گونی تمامی ارکان رژیم در نتیجه احتمال وقوع تارخایتی متراکم توده ها، بیش از پیش حکومتگران را مرعوب خویش ساخت. تغییر و اصلاح مفاد قانون اساسی، تعیین "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، "تفکیک شرط مرجعیت از

تقدی بر مواضع  
کنفرانس در قبال:  
جمهوری  
دمکراتیک خلق

در صفحه ۲۲

تربیت اعضا  
برای بیان  
نظرات مخالف  
اتحاد کارگران انقلابی ایران

## جنبش جنب و فعالیت آتی

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در شرایطی فعالیت خود را آغاز می نماید که جنبش کمونیستی کشورمان ضمن کسب بسیاری از دست آوردهای تئوریک، هنوز هم حول مجموعه ای از مسائل مهم برنامه ای، اساسنامه ای و تاکتیکی درگیر و متمرکز است. از طرف دیگر تغییر و تحولات جدی و عمیقی که اخیراً در کشورهای سوسیالیستی بوقوع پیوسته و تداوم دار دیباعث خواهد شد تا مباحثات جاری اخیر به عمق کشیده شده و دامنه وسیعتری به خود بگیرد. چپ انقلابی ایران به این عمق نگر و ویا سخ گوئی همه جانبه نیاز دارد؛ چرا که عملکرد تاکنونی اش نشان داده است که هنوز از آتشبار قوی لنینی، نه به مفهوم کبیر داری و کپی به سازیهای کلیشه ای و متداول بلکه بمفهوم قدرت تجزیه و تحلیل و استدلال و تفکر مستقل در کمیت و کیفیت مورد نیاز، برخوردار نیست.

بقیه در صفحه ۱

## در صفحات دیگر

انتخابات در نیکاراگوئه

توس از انقلاب یا «پروسترویکا» دی کلرک

بمناسبت فرار سیدن سال نو

ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی

آزادی کامل بیان، مباحثات ایدئولوژیک علنی و اقلیت سازمانی

به یاد انقلاب شکست خورده یمن: انقلاب سرخ

## رفیق ضیاءالدین نادری

راجع به اختلافات برنامه ای  
در توضیح مصوبه کنفرانس

در ابتدا ضمن پوزش از خوانندگان، در نگارش بنسداد این مصوبه اشتباهی رخ داده است که بدین وسیله اصلاح میگردد: در این بنده آمده است: "۴- مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی و سمتگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتریست و نه نوعی از دیکتاتوری پرولتاریا". بجای کلمه "نوعی" که با خط تاکید مشخص شده است باید کلمه "شکلی" بیاید. بنابراین مصوبه کنفرانس ما بدین قرار است:

بقیه در صفحه ۲

ستون آزاد  
و اما چه کسانی هم رنگ جماعت  
می شوند؟.. در صفحه ۱۹

... از میان نشریات  
آرزوهای پابرجای «اکثریت»  
باز هم اتهام!  
در صفحه ۸

## راجع به اختلافات برنامه‌ای در توضیح مصوبه کنفرانس

از صفحه اول

۴- مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی و مستگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتری است و نه شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا. " در مورد این مصوبه در زیر مختصراً توضیح می‌دهیم: این مصوبه که به منظور تدقیق و صراحت دادن به موضع ما و به اختلاف با جناح دفتر سیاسی تنظیم شده است، اختلافات را اساساً در چهار جزه فرموله می‌کند.

بر اساس درک رسمی کنونی جناح دفتر سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا و بلوکوسی مرکب از کارگران و نیمه کارگران و عبارات دیگر همان جمهوری شوروی سوسیالیستی می‌باشد، اقلتارگوناگون خرده بورژوازی جزو نیروهای محرکه انقلاب بحساب می‌آیند اما در دولت جایگزین شرکت ندارند، و علی‌رغم اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا به مثابه آلترناتیو جمهوری اسلامی اصولاً شرکت در "حکومت موقت" و یا جمهوری پرولتاریا را مجاز می‌دانند.

این مجموعه که نظریه رسمی فعلی جناح دفتر سیاسی از مرحله انقلاب را تشکیل می‌دهد، بخودی خود حامل یک تناقض اساسی است که آنها با یک موضع انحرافی و غیر مارکسیستی نیست به رابطه نیروهای محرکه انقلاب و دولت آلترناتیو جانشین به آن پاسخ می‌گویند. اگر مطابق با درک این رفقا، ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا مطرح باشد، در آن صورت مرحله انقلاب در ایران را باید خالصاً سوسیالیستی ارزیابی نمود که در این صورت دیگر خرده بورژوازی را نمی‌توان به مثابه نیروی محرکه انقلاب بحساب آورد، بلکه در این حالت دیگر نه خرده بورژوازی می‌رود بلکه این خرده بورژوازی میانی است که باید به مثابه نیروی بینابینی و متزلزل و بیاض انقلابی، منزوی گردد، و در یک انقلاب سوسیالیستی شرکت پرولتاریا در حکومت موقت بر پایه برنامه حداقل همراه با آنها اصولاً غیر مجاز می‌باشد. اما رفقا، همزمان از شرکت پرولتاریا در حکومت موقت بلحاظ اصولی دفاع می‌کنند و بدینسان آن خرده بورژوازی میانی را جزو "نیروهای محرکه انقلاب"

بحساب می‌آورند.

بدین ترتیب بر اساس نظر رفقا، اولاً، آنها از یک انقلاب خلقی انتظار دیکتاتوری پرولتاریا را دارند، در حالی که از نقطه نظر دیدگاه مارکسیستی، دیکتاتوری پرولتاریا نتیجه نهایی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی و به عبارت دیگر محصول انقلاب سوسیالیستی است.

ثانیاً، رفقا برای راهش از این تناقض "نیروهای محرکه انقلاب" را تنها به مثابه نیروهای پیشا سرنگونی مطرح می‌نمایند. این نظریه "نیروهای محرکه انقلاب" و طبقات تشکیل دهنده دولت آلترناتیو، تفکیک قابل می‌شود و این درک که مفهوم "انقلاب" را از "دیکتاتوری" جدا می‌کند، انحراف از مارکسیسم-لنینیسم انقلابی است. از نظر ما جمهوری دمکراتیک خلق محصول قیام پرولتاریا و ثمره انقلاب حقیقتاً خلقی است، این انقلاب ما ششین دولتی پرولتاریا و یک نظامی پرولتاریا را در بر می‌گیرد و یک حکومت انتقالی به دیکتاتوری پرولتاریا و یک حکومت موقت کارگران و زحمتکشان را تأسیس می‌نماید.

جمهوری دمکراتیک خلق همان حکومت موقت انقلابی است که در نتیجه پیروزی انقلاب حقیقتاً خلقی بر سر کار خواهد آمد، و هیچ حکومت موقت دیگری که نه بر مبنای برنامه انتقالی بلکه بر پایه برنامه حداقل تشکیل شود، مورد حمایت پرولتاریا نیست. عبارت دیگر در ایران فرامابا دونوع "حکومت موقت انقلابی" مواجهه نیستیم، تنها حکومت موقت انقلابی، همان جمهوری کارگران و زحمتکشان، یعنی جمهوری دمکراتیک خلقی است.

خرده بورژوازی میانی در این انقلاب جزو نیروهای محرکه انقلاب شمرده می‌شود، و از آنجا که نمی‌توان نیروهای "بوجود آورنده یک انقلاب" و نیروهای محرکه یک انقلاب را از نیروهای تشکیل دهنده حکومت آلترناتیو انقلابی جدا نمود، پرولتاریا وظیفه هدایت خرده بورژوازی میانی را در همین دوره و بر پایه همین هدف مشترک و برای تشکیل دولت طراز نوین انقلابی و

یا دولت نوع پرولتری بعهده دارد، و نه فقط در دوره پیشا-سرنگونی، تجزیه طبقاتی خرده بورژوازی میانی نیست در همین روند انجام می‌پذیرد.

اما جمهوری دمکراتیک خلق تنها موقتاً قادر به درهم شکستن دستگاه بوروکراتیک نظامی دولت پرولتاریا و تأسیس حکومت شورائی خواهد بود. انقلاب تنها زمانی به پیروزی قطعی می‌رسد که ما ششین دولتی پرولتاریا و تمامی امکانات بازسازی آن را بطور کامل نابود سازد و این تنها از پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا ساخته است.

پرولتاریا و نیمه پرولتاریا به مثابه ستون فقرات این انقلاب باید کوشند تا با استقرار و تثبیت قطعی نظام شورائی و نابود کردن تمام ماسشین دولتی پرولتاریا و ایجاد مانع در قبال هر نوع بازسازی مجدد آن، این حکومت کارگران و زحمتکشان را به دیکتاتوری پرولتاریا و به حکومت خالص سوسیالیستی ارتقا دهند.

این است مفهوم انقلاب مداوم!

اگر درک پرولتاریستی از مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن از درک خصلت موقتی و دلالی انقلاب بیگری خرده بورژوازی عاجز است، درک لیبرال فرمیستی جناح دفتر سیاسی از مرحله انقلاب با نفعی ظرفیت خرده بورژوازی در امر شرکت در قدرت شورائی بطور موقت، عمل مبنای اختلاف خود را با خرده بورژوازی حول برنامه حداقل و مبارزه ضد استبداد قرار داده و بدین ترتیب عمل مبنای اختلاف و نه خسرده - بورژوازی دمکرات و انقلابی که از گام برداشتن بسوی سوسیالیسم نمی‌هراسد و حاضر است برای تحقق مطالبات حداقلی از چارچوب نظم پرولتاریا فراتر رود، بلکه، بخش فوقانی خرده بورژوازی که در انقلاب مانع بینابینی و بعضاً ضد انقلابی دارد، یعنی لیبرال دمکرات است! این واقعیتی است که این درک در همین دوره فعالیت اخیر راهکارگر جناح دفتر سیاسی در حوزه تاکتیکی و انقلابی با خوبی انعکاس داشته است. حتی اگر شکست آن در عمل مجدداً او را در این حوزه هم به عقب نشینی تاکتیکی وادارد. هیئت تحریریه اتحاد کارگران

## جرا فعالیست مستقل؟

از صفحه اول

لازمه کاربست شیوه کمونیستی در حل و بر خوردن معضلات مذکور فراتر نگرستن از حصار فرقه‌ها بکنار گذاشتن رقابت‌های فرقه‌ای و ترجیح منافع کل جنبش کمونیستی بر فرقه خود میباید که این خود زمینه ساز مباحثات رفیقانه و ثمر بخش است که در مبارزه با گرایش‌های انحرافی و صیقل دادن خط و برنامه کمونیستی، پایان دادن به فرقه‌گرایی و پراکندگی در دنک کنونی کمونیستهای کشورمان، تحریک ما را افزایش خواهد داد.

نقد بینش، عملکرد دور و حیات فرقه‌گرایانه نباید بمعنای نادیده گرفتن ارزشمند آنها و تواناییهای سازمان‌های کمونیستی کشورمان تلقی شود، بلکه ناظر بر واقعیات موجود، قانونمندیهایی تغییر وضعیت کنونی از طریق حفظ و ارتقا عناصر سالم و کمونیستی، طسرد

آلودگیهای پرولتاریستی (پوپولیسم لیبرالی با پوپولیسم آنارشستی) و سوق دادن حیات سیاسی - تشکیلاتی خود به میدان مبارزه زنده طبقاتی طبقه کارگر میباید.

خیمه کنونی جنبش کمونیستی در عرصه جهانی و ملی با شکستهای ناشی از تأثیرات گرایش‌های انحرافی از مارکسیسم-لنینیسم و عمده گشتن خطر سوسیال دمکراسی مشخص میگرد که تأثیرات مهمی بر مبارزات طبقه کارگر و کمونیستها خواهد داشت.

تلاش و مبارزه رفقا در یوگوسلاویا، مادقانه و فداکاران مارکسیست - لنینیست در عرصه نظری و پراکتیک، طبعاً در دوره‌ای نه چندان کوتاه می‌توانند جراحات وارد بر پیکر جنبش کمونیستی را التیام بخشیده و راه پیشروی را هموار نمایند و از اینجاست ضرورت مبارزه کمونیستها در سنگر مشترک بمنظور تداوم و ارتقا دستاوردهای جنبش کمونیستی کشورمان مطرح میشود. مبنای نظری راهکارگر در مبارزه با فرمیسو پوپولیسم شکل گرفت و تحکیم یافت. کسه

هم‌اینک این مبنای از دستاوردهای مهم کمونیستهای کشورمان است، لیکن مقاومت بقایای پوپولیسم در راهکارگر و سیاست مماشات گران نسبت به آن زمینه ساز تکوین بحران و انشعاب گردید.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)، در مبارزه علیه مقاومت بقایای پوپولیسم و بطور مشخص مبارزه با فرقه‌گرایی و محفلیسیم در عرصه حزبیت، تجلیات رفرمیسیم در حوزه مبنای برنامه‌ای و پوپولیسم است در مشی تاکتیکی شکل گرفت و مادی شرائطی فعالیت مستقل حزبی خود را آغاز می‌کند که توجه مسئولان ما به وضعیت کنونی جنبش کمونیستی و ضرورت وحدت مارکسیست - لنینیستها و تلاش بپیکرانه مادر جهت وحدت اصولی در دوره پیشا کنفرانس با ماقا و متهای فرقه‌ای محفل حاکم بر سازمان مواجهه گشته و بی‌ثمر ماند.

... و اما مبارزه ما برای دمکراسی، انقلاب و سوسیالیسم ادامه دارد؛ اینست ضرورت موجودیت سیاسی - تشکیلاتی ما و انتشار اتحاد کارگران، ارگان مرکزی اتحاد کارگران انقلابی ایران (راهکارگر)!

## آیا بر مناقشات درونی رژیم پایانی متصور است؟

از منحه اول

اعتماد هیئت وزیران با اکثریت بالای نمایندگان مجلس، بدنبال همین توافق صورت پذیرفت. تنظیم برنامه پنجم ساله "نه پلا تفر میک جناح بلکه حاصل اشتراك نظر تمامی جناحهای حکومتی در راستای همین وحدت همگانی بود زیرا: "طلیعه" دولت کار "برنامه ای نبود که آرد ده برنامه ای که به تصویب رسیده حاصل جان کنندن وتلاش دولت گذشته بود مگر يك دولت دز عرض چند ماه میتواند يك برنامه پنج ساله به این وسعت تنظیم نماید" (آفتاب) آنچه نماینده هر ودشت در مجلس رژیم - روزنامه کیهان (آنچه که عامل از سرگیری و تشدید تنشهای درونی رژیم طی همین مدت کوتاهی از مرگ خمینی گردید، اختلاف بر سر چگونگی احرا و پیشبرد این برنامه و از طرفی ناتوانی و ذهنی بودن آن در تخفیف بحران بوده است.

درگیری و مناقشات جناحهای حکومتی از آنجائی اوج می گیرد که جناح رفسنجانی ضمن سلسله اقداماتی در جهت جذب و مشارکت سرمایه جبهانی در "راه اندازی اقتصاد نیمه ویران کشور" خواستار ترغیب و تشویق بورژوازی سوداگر تجاری به منظور سرمایه گذاری در "بخش تولیدی صنعتی" می گردد، و اتخاذ این شیوه برای حل بحران، بدون "حذف" جناح "حزب الله" مقدور نبود. افزایش نقش بورژوازی سنتی در تجارت آزاد و غیر قابل کنترل، حزب الله را بیش از همه در کسب منافع اش متضرر ساخته است، در حقیقت جناح حزب الله با کنار گذاشته شدن از صحنه قدرت اجرائی کشور قربانی يك سازش گردید. مابین جناح خامنه ای - رفسنجانی علیرغم عدم انطباق کامل و جایگاهی که "حفظ نظام" برایشان مافوق منافع جناحهای مختلف بورژوازی قرار دارد از یک طرف، و جناح بورژوازی سنتی به اتکا ۵ میلیارد دها تومان نقدینگی که از قبیل جنگ ویرانگر ارتجائی حاصل نمود از طرف دیگر اساسا بحران بحران اقتصادی بدون مشارکت و نقش فائقه سرمایه مالی (بانک و بورژوازی صنعتی) نه تنها میسر نیست بلکه عدم کنترل و نظارت بورژوازی تجاری بدلیل ماهیت سوداگرانه اش خود عامل تشدید بحران است.

تعرض همه جانبه جناح خامنه ای - رفسنجانی علیه "حزب الله" تحت شعارهای "آغاز دوران بازسازی"، "برقراری صلح و ثبات و دوستی در منطقه و جهان"، "اطاعت از ولایت فقیه"، "دولت کار" علیه "دولت شعار" و در مقابل مقاومت فعال حزب الله برای کُند و آچمز نمودن سیاست های حریف، پشت سنگر "دفاع از ارزش های اصولی انقلاب"، "مبارزه علیه رفاه طلبی"، "تداوم راه امام فقید"، "صدور انقلاب اسلامی" بروشنی بیانگر حدت یابی تنشهای آشکار رژیم در مرحله کنونی است.

رفسنجانی بخوبی واقف است که حاصل ۱۱ سال حاکمیت ننگین رژیم اش جز و شوکستی، فقر و فاقه کارگران و زحمتکشان، ویرانی مطلق صنایع تولیدی پنج استان کشور، کاهش هفتاد درصد ظرفیت تولید بخش صنایع، بارمغان دیگری نداشته است، قطعه باره دش در آوردن عادی چرخ عظیم این "اقتصاد ارکاد" تنها به اتکا سرمایه گذاری سرمایه داران محترم داخلی "برای کسب سود حلال" مقدور نیست. بنابراین باید "شیطان بزرگ" یا "حسن نیت خویش" در آزادسازی دارائی های بلوکه شده ایران

و خود او هم در مقابل "بازآزادی گروگانهای امریکائی در لبنان" مشترک اقدام های اول را در جهت برقراری ارتباطی وسیع و آشکار بر دارند. در راستای چنین هدفی رفسنجانی در پاسخ به سؤال تایمز مالی اعلام میدارد: "در مورد تغییر سیاست ما با غرب، هیاهویی که راه افتاده واقعیت ندارد، اما از اول بنا نداشته ایم با غربی ها روابط بدی داشته باشیم، نظر غالب در ایران این است که اگر غرب سیاست غیرزورگویانه ای را با ایران در پیش بگیرد می تواند روابط حسنه ای با کشور ما داشته باشد، همچنان که ما با بعضی از کشورهای غربی چنین روابطی داریم" (اول آبان - کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی) اگر در مقطعی "شیطان بزرگ" با فرستادن "کیک و انجیل" توسط مک فارلین برای ایجاد مقدمات ارتباطی علنی و وسیع پایه میدان میگذارد و در این راه از "بی اعتبار ساختن" مبره هائی همچون سرهنگه لیورنورث "درماجرای ایران کیت" ابائی نداشته، اینبار همان رسالت را رفسنجانی در اوضاعی به مراتب وخیمتر، عصبه گرفته است، تنها با این تفاوت که تجاری "کیک و انجیل" بسا هدیه ای با ارزشتر، یعنی وعده آزادی گروگانهای امریکائی در لبنان قدم پیش میگذارد و در این بین هم از توسل بسا حربه خطرناک حذف جناح "تندرو" ابائی ندارد. بنابراین این بپذیرش "دوطرفه تفکر در ایران" به غریبها اطمینان میدهد: "ولی آنچه که اکثریت مردم و مسئولان فکر میکنند در محدود و در ادیکال بسیم نمی گنجد."

کیفرخواستی که از طرف جناح رفسنجانی در دفاع از "میانروی" خویش بر علیه "تندرو" های باصطلاح "رادیکال" جناح حزب الله اقامه میگردد بدون کسب و کاست و بلافاصله مورد دو اکنش محتشمی، این شاخص ترین فرد این جناح، قرار می گیرد. محتشمی در مصاحبه بسا خبرگزاری جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳ آبان (سالروز تسخیر سفارت آمریکا) اعلام میدارد: "بر اساس برداشت از آیه قرآنی کسی که همراه با پیامبر و پیرو اسلام مناب محمدی است، نسبت به کفار شدید یعنی تندرو است، تندرو شدید بر خورد می کند و وجه دیگری هم وجود ندارد." استناد به دومورد از حجم متمرکز و وسیع گفتارها، موضوع گیری های "حزب الله" در حمله به سیاست های رفسنجانی برای برقراری ارتباط علنی با آمریکا، شاید بتوان میسران و چگونگی واکنش هیستریک حزب الله را در این رابطه بازگو نماید. نجفقلی حبیبی نماینده مجلس در تاریخ ۱۳ آبان با "فرض سه استراتژی در مقابل آمریکا" اعلام میدارد: "۱- مبارزه با آمریکا و زنده نگه داشتن روح انقلاب، ۲- تردید و تذبذب و این که ببینیم چه می شود، ۳- تسلیم و پذیرش شرایط آمریکا؛ که در این بین ملت ما مبارزه بسا آمریکار انتخاب می کند؛ محمدابراهیم صغری زاده یکی دیگر از نمایندگان مجلس این موضع را با لحن شدید تتری بیان میدارد: "کور خواندن آنها که فکر می کنند با شیمن کشیدن شعار مبارزه با فقر و غنای توانند راه را برای بازگشت سرمایه دارها و صاحبان گردن کلفت صنایع و نهاییات بازگشت غرب باز کنند."

نیاز رفسنجانی برای اطمینان خاطر "غربی هاتنها" با "حسن نیت" اش در "اقدامی هماهنگ" برای آزادی گروگانها "ختم نمی گردد. او باید قبل از آن، برای برقراری ثبات و دوستی در منطقه همه اقداماتی مشابه دست زند، و

در این مسیر از فتوای "امام" علیه حکومت "وهابی و کافر حجاز" به بهانه اینکه "شرایطی که در جنگ و محاصره دشمنان داشتیم دیگر نداریم" صرف نظر نماید. بدین لحاظ "کنفرانس بین المللی خلیج" فرصت مناسبی است تا "خواهان صلح و ثبات پایدار در منطقه از طریق همکاری و دوستی با کشورهای منطقه گردد." (آذر - کیهان)

حمله "حزب الله" علیه سیاست های حریف بمنظور آچمز آن، اینبار آهنگ موزون تری می یابد، نطق های پیش از دستور نمایندگان مجلس، سرمقالات روزنامه ها، موضع گیری سران این جناح پشتوانه محکمی برای به میبازره طلبیدن رفسنجانی در همین نقطه می باشد. نمایندگان حزب الله در مجلس با حمله شدید و یکپارچه علیه رجائی خراسانی (نماینده مجلس) که با بیانی مریح تر از منظر رفسنجانی اعلام نمود: "۰۰ معنی ندارد که صحنه عربستان سعودی صرفا در اختیار عراق باشد خیلی خوب خواهد بود اگر مانیز در آن جاحضور فعال داشته باشیم" (۲۸ شهریور کیهان)، پیشروی حریف را در همان نقطه متوقف نمایند.

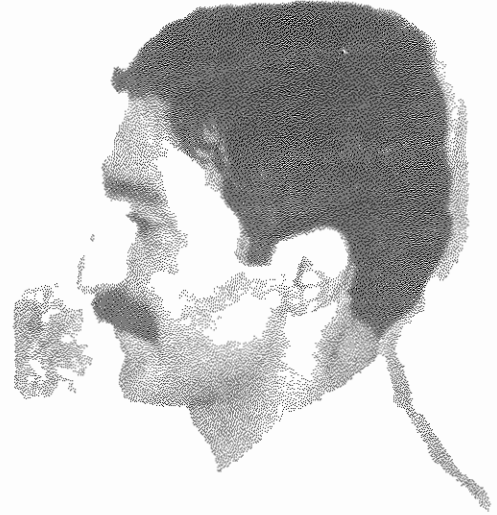
نماینده ورامین در مجلس در واکنشی مشابه اعلام داشت: "کسانی که در صدد تطهیر آل سعود بر می آیند، مطمئن باشند که ننگی که آمریکا بر دامن آل سعود نهاده، به تعبیر امام با آب زمزم و کوثر نیز پاک نخواهد شد، منطبق برخی از افراد نیز آن است که اگر ما در مکه تظاهرات نمی کردیم، حکام سعود نیز ما را نمی کشتند، این منطق عمر و عاص است، مردم در مقابل این حرکت خواهند ایستاد!" (۱۲ مهر ماه - کیهان هوائی)

بنابراین روند حدت یابی اعتراضات حزب الله علیه سیاست های رفسنجانی برای دست یابی به "صلح و دوستی با عربستان" جانی را برای پیگیری "مانورهای مشترک (نظامی) هوائی، دریائی و زمینی با شرکت ترکیسه، پاکستان و ایران" باقی نمی گذارد، روزنامه اطلاعات - لاریجانی معاون وزارت امور خارجه - ۱۸ آبان)

رفسنجانی بعکس جناح "حزب الله" که هنوز در عالم "فداکاری حزب الله در رد نعم مادی" سیر می کند، پیش از هر کس در میان حکومتگران از تعمیق ناراضی توده ها و وقوف یافته و می دانند که تنها با اتکا به تأمین مواد اولیه چندکارخانه و یاختی رساندن ظرفیت تولیدی صنایع موجود به سطح قبل از سالهای ۵۷ هم قادر نخواهد بود پاسخگوی نیازهای اولیه مردم در شرایط کنونی باشد. پس آنچه که وی هم اینک بدان نیاز مند است، "تأمین اعتبار ۱۱۵ الی ۲۰ میلیارد استقراضی" برای ساخت کارخانجات در صنایع تولیدی، اجرای پروژه های سد سازی، تأمین نیروی برق و کشاورزی، پروژه گاز رسانی به خارج ۰۰ می - باشد. ۴ آنها هم پایدار از جانب کشورهای "غربی" بسا ۱۱۵ الی ۲۰ صدبهره در اختیارش قرار گیرد. طرح قضیه "استقراض فرصتی دیگر برای تاخت و تاز "حزب الله" علیه جناح رفسنجانی است. اما اینبار علاوه بر اعتراض نمایندگان مجلس، سرمقالات روزنامه های این جناح، منتظری جانشین مخلوع خمینی هم مخالفت آشکار خود را در "دیدار با عده ای از مردم به مناسبت شهادت حضرت فاطمه سخن می گفت به موضوع استقراض در برنامه پنج ساله اعلام میدارد" (۲۷ دی ماه کیهان هوائی) • بدنبال

★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★  
**یاد شهدای جنبش را زنده نگهداریم**  
 ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★

**رفیق ضیاءالدین نادری**



بی برد، آرمانهای عدالت خواهانه وی درون مایه محکمی بود تا ضمن ارتباط با هسته های مترقی دانشجویی و در روند حرکت این هسته ها با ایدئولوژی مارکسیستی آشنا شود. او اولین تاوان این آشنائی را در سال ۵۴ با گرفتار آمدن به دست رژیم ساواک تجربه نمود، لیکن بعد از برخورد دوشیوارانه وی و خالی بودن دست ساواک از اطلاعات مورد نظر از رفیق بیش از ۴۸ ساعت در زندان نماند. دوران قیام پر شکوه بهمین ۵۷ دوران فعالیت شبانه روزی رفیق در سازماندهی جنبش اعتراضی - اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان بود، فعالیت تشکیلاتی رفیق در آغاز با سازمان فدائی بود لیکن با در غلتیدن اکثریت رهبران این سازمان به دامان رژیم مسم و خیانت، رفیق کورش نیز بدون هیچ تردیدی رابطه اش را با آن گست و فعالیت خود را با خط انقلابی راه کارگران آغاز نمود.

کورش جز اولین دستة رفقای بود که تشکیلات هواداری قائم شهر را سازمان داد و پس از چندی مسئولیت آن نیز به وی محول گردید. مسئولیت پذیری و توانائیهایش، شرکت فعال در همه جا، از اکیپهای کمک در برنحزارهای دهقانان تا تهیه های کوهنوردی، از افشاکریهای ضد رژیم تا برگزاری نمایشگاه ها از وی چهره های گرم، سازنده و صمیمی در محیط فعالیت و تشکیلات به نمایش میگذشت. وی جز و آخرین رفقای بود که در پی یورش فاشیستی رژیم در سال ۶۰ مجبور به ترک شهر و گزینش زندگی مخفی در تهران گردید. توجه مسئولانه نسبت به روابطش - چه زمانی که برای سازماندهی و وصل مجدد تشکیلات ماندران به سازمان

رفیق ضیاءالدین نادری (رفیق کورش) در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده متوسط بهائی در شیرگاه قائم شهر بدنیا آمد. تحمیلات ابتدائی و متوسطه خود را در همان شهر بیابان رساند و در ۱۹ سالگی وارد دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی میکانیک گردید. بعلت ذهن تیز و بیویاش در محیط دانشگاه خیلی زود به وجود دو قطب نابرابر و متضاد در جامعه سرمایه داری و همچنین به ماهیت دولت سلطنتی حاکم بر ایران

و چه زمانی که بار و بار بطش در تهران فعالیت میکرد. از جمله نقاط برجسته رفیق بود، مسئولیت در قبال آرمان رفقای که دستگیر و یا شهید میشدند نیز همانا تا دوام پیگیرانه تر اهاشان بود. ملاحظه کاری در پدیده کورش مسئولیتهای هر چند هم خطرناک با سرشت کوروش دمساز نبود و این امر را تمامی رفقای که با او بودند هرگز از خاطر نبرده اند.

سال ۶۲ که همزمان با دستگیری و شهادت تعدادی از رهبران ارزنده راه کارگری بود و فقدان آنان، تلاش باز هم بیشتری را طلب میکرد، کورش با شایستگی پذیرای مسئولیت در یکی از کمیته های نواحی تهران گردید. این دوره که همزمان با مستگیری کار کارگری و توده های بسود، رفیق در آنجا نیز قابلیت خویش را در مضمون فعالیت جدید و سازماندهی مخفی کارگران پیشرو و کارخانه اش نشان داد.

رفیق کورش در بهمن ماه سال ۶۵، در حالی که بیش از ۲ ماه از ازدواجش نمی گذشت، به همراه همسر و چند تن دیگر از رفقای تحت مسئولیتش، دستگیر شد. کورش علیرغم اطلاعات قابل توجهی که در سینه داشت و با وجود آنکه شکنجه گران نیز بر این مسئله وقوف داشتند، آنان را در کسب این اطلاعات ناکام گذاشت. رژیم در طول دوره شکنجه و در حالی که کفسه سینه او را شکسته بودند، به مدت ۹ ماه هیچگونه اطلاعی از وضعیت وی به خانواده اش نداد. رژیم که نتوانسته بود دلجای کورش را به سخن بگشاید، انتقام خود را با شهید کردنش گرفت. کورش در تابستان ۶۷ به همراه تنی چند از رفقای همزمش، رفقایوسف آخوند، رفیق فرهاد (مظفی) برادر همسرش و... بدست پاسداران جهل و سرمایه تیرباران گردید، و در کنار هزاران رزمنده کمونیست در قبرستان "بلشویکها" در جاده خاوران آمید.

یادش را با تدویم راهش گرامی میداریم!

ولایتی با صرار نمایندگان به مجلس احضار شده و پاسخ وی مورد اذعان نمایندگان واقعی نمی گردد، سؤال برای پیگیری "به کمیسیون بررسی سئوالات" ارجاع میگردد. مسئله وخیم تر از حدی است که جناح رفسنجانی تصور می کند: "همگی دیدیم که سؤال در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و تنه ما موجب تضعیف وزارت خارجه نشد که برعکس توضیحات وزیر خارجه و برکناری سفیر ما در رومانی ابهامات ما را بر طرف کرد و از این سؤال جواب کردن همساز گردید هم بدامن نظام نشست" (اطلاعات - ۱۳ ادی) بنابراین راهی نمانده بود جز آنکه خامنه ای با امید به تخفیف بحران طی پیام تهدیدآمیز ۱۸ دی ماه خطاب به مجلس و مردم، لب به سخن بگشاید. خامنه ای در این پیام ضمن "پرهیز نمایندگان از کشاندن اختلافات سلیقه ای و سیاسی و شخصی به تنازع و تفرقه" اعلام داشت: "در این مجلس رای باید تابع معرفت و بحث باید دور از تنازع و جدال باشد، در هر موضوع گیری و هر سخنی باید رای خدا و مصلحت انقلاب و خواست و نیاز مردم در نظر گرفته شود، همواره در این مجلس معدود افرادی بوده اند که از ایمن تکالیف غفلت و زبیده و راه کج کرده اند و شاید مردم نیز باشند" خامنه ای که بخوبی از "خنده دار شدن التزام به ولایت فقیه" واقف است، می پندارد "معدود نمایندگان راه کج کرده" کنونی همان لیبرالهای راننده از مجلس سال ۶۰ بقیه در صفحه ۱۳

رفسنجانی را مورد نیاز خواست قرار دهد. بدالله اسلامی نماینده بافت در مجلس اعلام میدارد: "من از آقای خلیفانی تشکر می کنم که هم روز و در جانشین و هم در نطق دیروزشان مطالبی فرمودند، ولی آیموار داشتند و وزارت خارجه مربوط به همین یک مورد است... (۵ دی ماه کیهان هوانی) دفاع رفسنجانی از سیاست وزارت خارجه و حتی با کشاندن پای خامنه ای در این ماجرا، قادر نیست خشم "حزب الله" را فرو نشاند: "کاری که نظرایشان (خامنه ای) انباشد در این دولت انجام نمی شود مگر این که غفلتی شود، متاسفانه بخاطر نکاتی که در این دو سه روز دیده شده بعضی ها قدری قلب ایشان را مکرر کردند، نکته دیگری که رهبری به آن تاکید داشتند حمایت ایشان از سیاست وزارت امور خارجه بود." (۷ دی ماه - کیهان هوانی) بدنبال آن، عظیمی نماینده طریقه با موضع گیری تند و تهدیدآمیز علیه مخالفین اعلام میدارد: "مگر میشود در دورانی که با همه سیاستهای استکبار و متجاوز و زور و هتیم اجازه دهیم مسئولان دبیلماسی کشور مورد تهاجم افرادی مسئولیت قرار گیرند! مگر ما می گذاریم، مردم سؤال می کنند این افرادی مسئولیت چه کسانی هستند که دل رهبران این طور بدرمی آورند؟ (اتیر - کیهان) تمامی اقدامات باز دارنده جناح رفسنجانی قادر نیستند "حزب الله" را وادار به عقب نشینی نمایند.

و اکثر منطری تظاهرات را پراکنده ای در شهرهای نجف - آباد و اصفهان بر له و صورت گرفت، هر چند اظهارات منتظری منجر به واکنش سریع جناح رفسنجانی می گردد، و در وحشت از آن علاوه بر محاصره منزلش در قماز طرف جناح رفسنجانی، روزنامه جمهوری اسلامی هم اظهار نظر وی را "بعنوان کسی که امام وی را به ساده اندیشی توصیف فرموده و عدم درک صحیح آنان نسبت به مسائل روشن جامعه برای همگان میرهن است غیر منطقی" دانست. (جمهوری اسلامی ۱۳/۱۰/۶۸) اما اعتراض منتظری نشان از این دارد که موانع پیشروی رفسنجانی برای پیشبرد موفقیت آمیز سیاست هایش بسیار عمیق تر از آن است که خود بدان اذعان دارد. اعتراضات و درگیریهای درونی رژیم هر روز اوج تازه ای می یابد کافی است اتفاقی هر چند کم اهمیت رخ دهد، تا "حزب الله" بتواند از آن طریق حمله تازه ای را علیه جناح حریف سازمان دهد. حال که جناح مقابل بر خلاف "امام که همچون پدری همه جناحهای سیاسی را هدایت می نمود" (رضوی نماینده بیزد) ادی کیهان) در فکر حذف "حزب الله" است، پس چه سوژه ای مناسب تر از سفیر چاوشکومی بتواند باعث بی آبروشی حریف گردد. درخواست ۵۵ تن نمایندگان مجلس از وزیر امور خارجه برای حضور در مجلس، و بدنبال آن سؤال ۸۴ نماینده از ولایتی، اقدام یکپارچه ای بود از جانب "حزب الله" تا جناح

## اعلامیه

## اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## بمناسبت

## ۱۱ دی ماه، روز شهیدای راه کارگر

۱۱ دی ماه روز تجدید پییمان با شهیدای سازمان است • ما بدین وسیله به تمامی شهیدای راه آزادی، انقلاب و سوسیالیسم در ودمیفر ستیم و در مقابل ایشان، فداکاری، شهادت و قهرمانی شان در پیکار علیه ستم و استثمار، سر تعظیم فرود می آوریم و با دشمنان را گرامی میداریم!

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی از بدو حکومت ننگینش در دفاع از نظام بهره کشی با تنها جمیع شوراهای در شهر و روستا و پیمان نمودن کامل حقوق دمکراتیک مردم، به سرکوب جنبش کارگری و توده ای پرداخت و با اعمال وحشیانه ترین جنایات تاریخ بشریت دهها هزار تن از ارزنده ترین فرزندان مبارز، انقلابی و کمونیست را به جوخه های مرگ سپرد •

این رژیم ارتجاعی تاکنون نه تنها پاسبان سبک و ابتدائی ترین خواسته های توده ها نبوده، که نمی توانست جز گران، بیکاری، بی خانمانی، تشدید چپاول و استثمار، سوق دادن کشور بسوی تباهی و فلاکت، بی حقی عمومی، فرستادن خیل عظیمی از فرزندان طبقه کارگر و زحمتکشان به قتل گاههای خود، زندانها و جبهه های جنگ و سرکوب تشکلهای مستقل کارگری به ارمغان بیاورد!

در دوران سیاه حکومت اسلامی همواره مبارزه کارگران و زحمتکشان، کمونیستها، انقلابیون و مبارزین علیه رژیم ارتجاعی ادامه داشته و مانع از دستگیری و سرکوب آنها نگردیدند و توده های ستم دیده جنگیده و رفقای بسیاری را از دست داده ایم •

ما در این روز عهد می کنیم که راه رفقای شهید و کمونیستهای انقلابی کشورمان را ادامه داده و با درس گیری از دلای وریه های انقلابی و تجارب کمونیستی آنها، ادامه دهندگان و فادار و خستگی ناپذیر پیکار انقلابی شان باشیم!

خانواده شهدا و زندانیان سیاسی!

راه نجات توده های کارگر و زحمتکش از ستم و استثمار و فقر و فلاکت فزاینده، راه جلوگیری از کشتارهای رژیم اسلامی و نجات جان زندانیان سیاسی، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری رژیم شورائی است • مبارزات خود را از طریق گسترش اتحاد و همبستگی با تمامی خانواده های شهید و زندانیان سیاسی هماهنگ کنید! تشکل خانواده شهدا و زندانیان سیاسی سنگری است برای دفاع از جان زندانیان سیاسی، افشا، جنایات جمهوری اسلامی در زندانها و رساندن پیام مقاومت و قهرمانی اسرای دربند بگوش توده ها! علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مبارزه تان را تشدید کنید! بی تردید بار دیگر توده ها حصارهای زندانها را بر سر جلادان فرو خواهند ریخت و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بر سراسر میهن بخون نشسته ما طنین خواهد افکند!

جاودان باد یاد تمامی شهیدای انقلاب!

پیروز باد مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی!

درود بر خانواده شهدا و زندانیان سیاسی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

شورای رهبری

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۱ دی ماه ۱۳۶۸

## جنبش چپ

## و فعالیت آتی ما

از منحه اول

بعلاوه، بی ارتباطی جنبش چپ با طبقه کارگر روز حمتکشان متحدوی، بی ریشگی و عدم نفوذش در میان طبقه‌ای که خود را متعلق به آن میدانند، و طبیعتاً محرومیت این چپ - انقلابی از تاثیرپذیری متقابل و مستمر محک و اصلاح پراتیک تئوریهایش در وسعتی به بزرگی میدان عمل کارگران و زحمتکشان و در بستر یک فعالیت سیاسی جاندار، مزید بر علت گردیده و بیچاره‌تر از آن منظر نموده است؛ به گونه‌ای که جنبش چپ ما تا حدی در قه‌های بسته و محافل درخسود، که در فعل و انفعالات توده‌های هیچگونه نقشی ندارد، تنزل نموده است.

البته در فعالیت سیاسی سازمانها و احزاب مختلف همواره گرگ‌هاکهای تئوریک در حوزه مسائل مختلف بروز کرده و می‌کند و هرگز نمی‌توان توقع داشت که برای یک حزب کمونیست توده‌ای و پرنفوذ که در حوزه تئوریک نیز موفق باشد چنین معضلاتی بروز نماید. آنچه که می‌بایست مورد توجه ما باشد خود ویژگی و ضعفهای اساسی جنبش کمونیستی ما است. در همین رابطه باید پرسید که آیا گرگ‌هاکها و معضلات برنامه‌ای، اساسنامه‌ای و تاکتیکی برای چپ انقلابی ایران به گونه‌ایست که می‌بایست اساساً معطوف به تئوری باشد؟ عبارت دیگر، اکنون ما بایک دوره فعالیت تئوریک بعنوان مقدمه فعالیت سیاسی - توده‌ای مواجهیم؟ آیا همین چپ انقلابی بسا مشخصات مفروض در بطن یک برآمد توده‌ای و بیاتنشها و جنگنداخلی طولانی مدت در ایران امکان رشد سریع و جهش وارندارد؟

از نظر ما ضمن آنکه سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی می‌بایست حول مسائل تئوریک بیش از پیش متمرکز شده و موانع تئوریک شکل‌گیری حزب کمونیست را بر طرف نمایند، از طرف دیگر لازم است که در شرایط ویژه امروز و در بطن بیماری عمومی که با شدت وضعی نه کیفیتاً متفاوت همه سازمانها، گروهها و محافل چپ را بعنوان مجموعه‌های بی‌ریشه و بعنوان فرقه‌های بدون نفوذ در بین توده‌ها در آورده است (به امر فعالیت کارگری و کار در میان توده‌ها به مثابه امری فوق العاده جدی و مهم توجه شود. در بین چپ ایران، خط و نشانهای معطوف به اجزاء برنامه - و نه میانی برنامه‌ای - مناسبات سفت و خفه درون سازمانی و مرادوات تنگ نظرانه، اخلاق - سستی، سکتاریستی و خود محور بینانه مابین سازمانی در حوزه همکاریها، ائتلافها، تاکتیکها و سیاستها بعنوان مظاهر و وجوهات تام و تمام فرقه ایسم مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. لیکن باید افزود و نگه اگر چه تمامی اینها مظاهر جدی و اساسی از بینش و منش فرقه‌هایی باشند اما آنچه که ممیزه اصلی یک فرقه از یک سازمان و یا حزب توده‌ایست همانا بی‌اعتنائی و بی‌نیازی به توده‌ها و جایگاه و نقش آنها در معادلات سیاسی سازمانی و در بهترین حالت کم توجهی و ناتوانی در امر توده‌ای شدن است. بهر حال آنچه نهایتاً حاصل می‌آید بر جای ماندن دستجات محصور در حصار، حصار که مرز بین توده‌ها و فرقه‌هاست، می‌باشد. جنبش

کمونیستی میهنمان امروز می‌بایست بیش از پیش به این ضعف اساسی توجه نماید، بخش قابل توجهی از مرادوات، برخوردها و مباحثات سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی می‌بایست حول سازماندهی طبقه کار توده‌ای و چگونگی حل این معضل، چه بلحاظ سیاسی و چه بلحاظ فنی - تکنیکی متمرکز شود.

امروزه در شرایطی که جنبش کمونیستی ما پس از پشت سر گذاری یک دور سطحی نگر و یاروهای کبیسه - بردارانه تئوریک از آموزگاران بزرگ مارکسیست - لنینیست و با در جاتی متفاوت از خراشهای انتقادی نسبت به الگوهای موجود احزاب در قدرت، معطوف به عمق میشود، تاوان بخش قابل توجهی از شیوه نگرش قبلی در کنار عوامل دیگر، همانا نگرش و سقوط لایه‌هایی به سویال دمکراسی و سوسیالیسم است. موج بی نظران و شک یافتگان جوینده نظر نیز که البته اهمیت خود جایگاه خاص توجه خویش را دارد. آیا این همه با مباحث تئوریک اقعان خواهند شد؟ با در کنار مباحث تئوریک و ضرورت پاسخگویی لنینی به مسائلی که امروزه اهمیت صدچندان یافته است، با رف نواقص در حوزه نفوذ در میان کارگران و زحمتکشان و سازمان دادن اقتدار آگاهانه در میان طبقه، نتایج مورد نظر بدست خواهند آمد؟ اکنون دوره‌ایست که سویال دمکراسی بطور تجربی و خود بخودی و پیش از آنکه بلحاظ تئوریک قادر باشد آتشبار جدید و استدلالی قابل توجهی از خود به نمایش بگذارد، با همان خرده تئوریهایش مارکسیسم لنینیسم را به جنگ طلبیده است. سویال دمکراسی نوپای ایرانی حتی قدرت آتشباری معادل همگیشان بین المللی چندین دهه پیش از این سرا هم از خود نشان نداده است. با این همه، بعلمت مجموع شرایط بین المللی و داخلی در سطح فعالین رفرمیست، که در حال پوست اندازی اند، و همچنین لایه‌های بمراتب کمتری از فعالین رادیکال جنبش چپ، جذب یافته و در حال رشد است. چپ انقلابی باید قادر باشد که تنها در حوزه تئوریک قوی ترین نقاط قوت سویال دمکراسی را مورد حمله قرار دهد بلکه باید از طریق نفوذ در میان کارگران و زحمتکشان و کار توده‌ای نیز وی را منزوی نماید، خوش خیالیست اگر فکر شود سویال دمکراسی در بیسن توده‌ها از زمینه‌های مساعدی برخوردار نیست. ارج و عظمت دمکراسی در میان توده‌ها، نظاهر فریبی و شعارهای کاذب سویال دمکراسی در حوزه دمکراسی - سبب، عقب ماندگیها و ضعفهای جدی چپ انقلابی، و امروزه تحولات جاری در کشورهای سوسیالیستی و کارنامه پور و کراتیک بسیاری از احزاب در قدرت، مجموعاً امتیازاتی را به نفع سویال دمکراسی رقم زده است. با توجه به این ملاحظات، تاکتیک و راهبردی از ضعفهای اساسی نیروهای کمونیست، یعنی فعالیت کارگری - توده‌ای، ضمن متمرکز بیشتر حول مسائل تئوریک نه یک جانبه نگر و بلکه پافشاری و تکیه بر چه بیشتر بر وجهی از فعالیت است که مورد نکم توجهی و افر قرار گرفته کمونیستانه تنها می‌بایست در جنگ علیه رقبای فعلی پیروز شوند، بلکه این امر می‌باید با نقد و برسی بی رحمانه عملکردهای فاجعه آفرین و با جبران اشتباهات و کج رویهای باشد که با نام کمونیسم صورت گرفته است و اساساً اینک پیسر روزی بر رقبای و جریانات انحرافی بدون این امر ممکن نخواهد بود، با نقد و برسی گذشته و کار بست عملی و وفاداری کامل به نتایج برگرفته شده.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ضمن آنکه بر اهمیت برخورد به مسائل تئوریک توسط سازمانها، گروهها، محافل و شخصیتهای کمونیست بای می فشارد، معتقد است که می‌باید به مسئله چگونگی پیوند با طبقه کارگر، بردن آگاهی سوسیالیستی و فعالیت معطوف به درون آنها، مضمون فعالیت کارگری و سازمان دادن طبقه توجه صدچندان شود. می‌بایست حول این مسئله متمرکز ویژه‌ای بخرد و موانع موجود بر سر راه آنرا که جدی و بسیارند، مورد برسی و برخورد چندین و چند باره قرار داد. این آن چیز است که مادر مور دکلیت جنبش چپ انقلابی معتقدیم و حتی اعتقاد داریم که پای بندی جدی و عملی در این راستا بایستی یکی از معیارها و ضوابط وحدت چپ در شرایط ویژه امروز باشد.

یکی از موانع مهم در پیشبرد دو جانبه کار تئوریک و فعالیت کارگری بعنوان دو وجه برجسته از مجموعه وجه فعالیت کمونیستها، همانا ناتوانی سازمانها و محافل موجود است. این پراکندگی در دنیا که ناشی از سطح بلوغ جنبش کمونیستی بطور عام و فرقه گراشی، ناتوانی و ندانم کاریهای سازمانها و گروهها و رهبران آنها بعنوان تئوریزه کنندگان این بینش بطور خاص است، باعث گردیده که حتی در صورت اعتقاد عمیق به فعالیت کارگری - کمونیستی توسط هر یک از سازمانها و محافل، بعلمت مشکلات متعدد و محدودیتهای بسیار، هیچکدام نتوانند قدم جدی در راستای این امر مهم بردارند. از اینرو مجموعه‌ای از آنها که بلحاظ میانی برنامه‌ای (ونه اجزاء خرد و بزرگ) در طیفی مشترک قرار دارند، بجای سازمان - دادن یک کارخانه بزرگ با تقسیم کار پیچیده و برنامه ریزی شده که هم در حوزه تئوری و هم در حوزه فعالیت کارگری کارائی لازم را داشته باشند، به مانوفاکتورهای کوچکی شباهت دارند که حاصل کارشان چه بلحاظ کمی و چه بلحاظ کیفی در راستای وظائف تاریخی شان برای بسیاری از فعالین نیروهای مستعدنه جوابگوست و نه جاذب.

در بطن چنین اوضاعیست که مابه تدوین برنامه کار دروهای مان می‌پردازیم. حقیقت آنست که مجموعه مسائل یاد شده در بالا در مورد جمع مانیز صدق می‌کند، متمرکز حول مسائل تئوریک، محدودیتهای کمی و کیفی و امکان سازی که باید از صفر آغاز شود، سازمان دادن ارتباطات و تدارکات و مالی و... باعث میگردند که خصلت ایسن دوران فعالیتیمان فراهم کردن این مقدمات در راستای فعالیت کارگری - سازمانگرا نه باشد. ما بعنوان بخشی از نیروهای کمونیست که تعیین و تکلیف با بوز و زوی خودی را وظیفه مقدم خود میدانیم، معتقدیم که از هم اکنون قطب نمایی حرکتیمان میبایست در جهت فعالیت کمونیستی در میان کارگران باشد. اینکه چه وقت این مهم تحقق خواهد یافت، بستگی به تحلیلیمان از توانمندی کمی و کیفی نیرو، تدارکات و مالی و همچنین احیای روابط و سر نخهای کارگرمیمان دارد. کنفرانس بازرگانی از وضعیتیمان، فعالیت اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را به سه دوره تقسیم نمود. این سه دوره متاثر از ارزیابییمان از عوامل یاد شده در بالا می‌باشد.

در رابطه با خطوط کلی دوره اول، باید بگوئیم که مرحله اول فعالیتیمان با توجه به محل شکل گیری و اقدامات اولیه، دوره تثبیت سیاسی خود و اساساً تلاش در جهت ارتقاء کمی و کیفی، سازماندهی مالی، تدارکاتی

## فَس از انقلاب یا «پروسترویکا»ی دی کلرک

اقدامات دی کلرک و پشتیبانی‌ها را سان امپریالیست‌ها، این طرفداران دروغی — دمکراسی، وحشت از تحقق شعار یکدست توده‌ها "تمام قدرت به خلق"، وحشت از مواجه شدن با موزامبیک، آنگولا و زیمبابوئه ای دیگر است. وحشت از تبدیل آفریقای جنوبی به "جمهوری دمکراتیک آزانیا" و خلاصه وحشت از انقلابی است که آبار تایدید را فریقای جنوبی این پایگاه اصلی امپریالیزم در منطقه را بر انداخته و ساختمان سوسیالیزم را آغاز نماید. باید گفت که آزادی ماندلا تنها بارومتر فشار توده‌های کارگرو زحمتکش بی‌خاسته در آفریقای جنوبی بر علیه رژیم پرتوریاست.

کنگره ملی آفریقا ANC نقش بسزائی در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی علیه سیستم آبار تایدید است. توسعه جداگانه نژادها "داشته است". ANC معتبرترین و بزرگترین سازمان سیاسی در آفریقای جنوبی، در سال ۱۹۱۲ به نام "کنگره ملی بومیان آفریقای جنوبی جهت متحد کردن مبارزات سیاهان و مبارزه برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان و مبارزه با تضادهای قبیلگی ای تشکیل شد. تا سالهای ۰۰ لکنها مبارزه به شکل مسالمت آمیز را دنبال میکرد. اما پس از آنکه حکومت سرمایه داری انحصاری و حزب آن ("حزب متحد" که با تکیه بر استخراج منابع و معادن

روز جمعه دوم فوریه در حالی که فریاد "Awandla Ngaweth" (همه قدرت به خلق) ده‌ها هزار کارگرو زحمتکش در جلوی ساختمان پارلمان در فضاظین افکنده بود، فردریک ویلم دی کلرک رئیس جمهور رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در پارلمان ایمن کشور واقع در شهر کاپ رفرم‌های خود را بدون نکر تاریخ اجرای آن اعلام نمود. در اس این رفرم‌ها آزادی نلسون ماندلا پس از بیش از ۲۷ سال مقاومت در زندان رژیم نژادپرست پرتوریا قرار داشت. علاوه بر آن، این رفرم‌ها موارد زیر را نیز شامل میشد:

- آزادی کنگره ملی آفریقا ANC و ۳۲ سازمان دیگر،
- کاستن از شدت وضعیت فوق العاده که از سال ۸۶ وضع شده است (ضمن تاکید بر این که وضعیت فوق العاده همچنان بر قوت خود باقی خواهد بود)،
- آزادی تمامی زندانیان سیاسی که جرم جنائی ندارند،
- محدود کردن حداکثر مدت مجاز ننگه داشتن بازداشت شدگانی که شاکای یا مدرکی بر علیه آنها وجود ندارد به شش ماه،
- لغو مجازات اعدام.

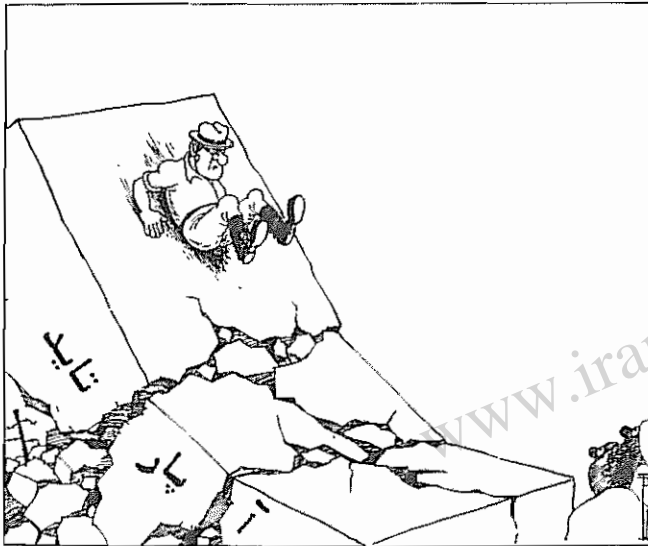
سرانجام نلسون ماندلا، سمبل مبارزه برای آزادی و علیه نژادپرستی اکثریت سیاه پوست آفریقای جنوبی در روز یکشنبه ۱ فوریه در سن ۷۱ سالگی از زندان آزاد گردید. آزادی ماندلا که محبوبترین چهره آفریقای جنوبی است، قطعاً به خاطر آن بود که وی مشهورترین زندانی دنیا به حساب می‌آید، بلکه از آن جهت رژیم پرتوریا دست به اقدام "اقدام شجاعانه" (عنوانی که بوش در گفتگوی تلفنی با کلرک به اقدام وی و دست زدن به رفرم‌های ذکر شده، داد) زده است که رژیم نژادپرست در زندان ماندلا و ANC و جنبش هر روز اوج یابنده کارگران و زحمتکشان آن کشور قرار دارد.

ماندلا در پیشگاه ده‌ها هزار نفر که به هنگام آزادی به استقبال او آمده بودند، اعلام کرد که: "مبارزه تا بر اندازی آبار تایدید ادامه خواهد داشت!" و این در حالی است که کلرک در سخنرانی خود در هنگام اعلام رفرم‌های خود گفته بود: "زمان خشونت به پایان رسیده و دوران نوسازی و آشتی فرا رسیده است." دبیرکل ANC Sricula در پاسخ به رفرم‌های اعلام شده و موضع "آشتی" کلرک اعلام نموده بود که: "مبارزه خودمان را به اشکال قانونی و غیر قانونی، مبارزه سیاسی و مسلحانه پیش برده ایم و همین شیوه را نیز ادامه خواهیم داد؛ چرا که تغییر اساسی ایجاد نشده است!" و بالا رفتن میزان خرید اسلحه توسط مردم که توسط یک روزنامه لیبرال گزارش شده است حاکی از پاسخ مناسب توده‌ها به این امر میباشد.

حال که خشم توده‌های بی‌خاسته کارگرو زحمتکش رژیم آبار تایدید را به عقب نشینی واداشته است، امپریالیست‌ها که تا دیر روز - زمانی که حکومت نژادپرست با سیاست‌های مافوق ارتجاعی خود زمینه‌های انزوای خود را فراهم می‌نمود - از تحریم نظامی و اقتصادی آفریقای جنوبی - حتی برای ظاهر سازی همگه شده - طفره می‌رفتند بر آن داشته است تا پس از معلق زدن نه‌های گذشته اکنون بر سر دعوت از ماندلا برای دیدار از یکدیگر به مسابقه برخیزند.

در این میان حزب بخایت ارتجاعی محافظه کار با فراخوانی اعتصاب سراسری ویژه قصد مجبور کردن حکومت به برگزاری انتخابات جدید را در دو حزب ناسیونالیست درواکش نسبت به اقدامات کلرک و به گفته سخنگویش Koos van der Marwe هشدار داده است که مقاومت سفیدها را علیه این رفرم‌ها سازمان خواهد داد. و در روز ۱ فوریه بخاطر زدن اتهام خیانت به کلرک از پارلمان اخراج شد. و در روز شنبه، روز اعلام تاریخ آزادی ماندلا، را سیاست‌ها در حالی که اکثر اسلحه بوده و در جلوی ساختمان دولت رژه می‌رفتند، تهدید نمودند در صورتی که رژیم به رای عمومی سفیدها در گذار دست به مبارزه مسلحانه خواهند زد.

البته گروه‌هایی چون جنبش اینکاتا (Inkatha) به رهبری بوتلزی رئیس قبیلز ولومبه که تاکنون بعنوان سازشکاران با حکومت پرتوریا عمل کرده اند و می‌توان به مهره‌های امپریالیزم برای آلترا ناتیوسازی در مقابل ANC بکار گرفته می‌شدند - هر چند که در محاسبات اخیر امپریالیست‌ها جای چندانی نمی‌توانند داشته باشند - همچنان به تلاش‌های خود ادامه می‌دهند و درگیری خونین آنها با نیروهای ANC در روز دوشنبه ۱۲ فوریه یعنی یک روز پس از آزادی ماندلا دره ناتال (Nathal) که بیش از ۵۰ کشته بر جای گذاشت نشانگر این امر است، اما واقعیت این است که آفریقای جنوبی در بحران انقلابی به سر می‌برد. وضعیت آفریقای جنوبی و تصمیم رژیم نژادپرست به برخی رفرم‌ها از جمله آزادی زندانیان سیاسی مارا به یادقیام بهمین اقدامات هر اسان رژیم شاه قبل از سرنگونی می‌اندازد.



طبیعی کشور (طلا و سنگهای قیمتی) و رشد اقتصاد مصرفی در این کشور موجب ات نارضایتی بورژوازی صنعتی و بخش کشاورزی را فراهم آورده بود، با ائتلاف این نارضایان با خرده بورژوازی سفید و تشکیل حزب ملی گرا (ANC) در جریان انتخابات ۱۹۴۸ از حکومت برکنار می‌شود، سیستم آبار تایدید مشابه یک سیستم حاکم با قوانین مافوق ارتجاعی اش حاکم میگردد، ANC با شعار "آفریقای جنوبی از آن کسانی است که در آن زندگی می‌کنند" فعالیت خود را تشدید کرد و برای مبارزات سفیدپوستان علیه سیستم آبار تایدید نیز اهمیت خاص قائل میشود.

خطوط اساسی برنامه ANC را "منشور آزادی" که در سال ۱۹۵۵ در "کنگره خلق" بتمویب رسیده است تشکیل میدهد. این خطوط عبارتند از:

- ۱- پذیرش حکومت خلق،
  - ۲- برابری حقوق کلیه ملیتهای ساکن آفریقا،
  - ۳- زمین از آن کسانی است که بر روی آن کار می‌کنند،
  - آبرابری در برابر قانون،
  - ۵- برخورداری کلیه ساکنان از حق کار، مسکن و آموزش برابر.
- متحد اصلی ANC حزب کمونیست آفریقای جنوبی است که چندتن از اعضای این حزب در ارگان رهبری ANC فعالیت می‌کنند و جواسلو و دبیر اول آن عضو دفتر سیاسی ANC است.

حزب کمونیست در سال ۱۹۲۱ توسط جناح انقلابی کارگران سفیدپوست تشکیل شد. ۱۰ سالهای ۰۰ بعد از آن نقش مسئله ملی و تبعیض نژادی در انقلاب آفریقای جنوبی پی برد. این حزب نیروهای محرکه انقلاب در آفریقای جنوبی را "دهقانان سیاه پوست در اتحاد و تحت رهبری طبقه کارگر" می‌داند. شرکت حزب کمونیست در مبارزه سیاه

## باز هم اتهام!

نشریه شماره ۷۱ بهمن ماه راه کارگر، ارگان محفل حاکم بر سازمان، طی مقاله ای جدائی رفیق بابا علی و تعدادی رفقا را باغالی نگه گرفته و فرصت را غنیمت شمرده است... دستمای از انحلال طلبان (فراکسیون "راه فدائی" سابق) "راه شیوه غیر سیاسی مورد اتهام شخصی قرار دهد و عقده های دیرینه فرقه ای خود را بشکل غیر شرافتمندانه ارضا نموده و در پی اتهامات، واقعیات یکدوره از مبارزه برحق درون تشکیلاتی راه کارگر و دستاوردهای آنرا تحریف کند. از این رو لازمست که تحریفات محفل حاکم افشا گردد. مقاله مذکور در رابطه با رفیق بابا علی اظهار داشته: "۰۰ همن یکسال پیش خودش را "سخنگوی جناح چپ" سازمان لقب داده بود و زیر شعار "دمکراسی تشکیلاتی" و "سبک کار حزبی" انحلال طلبی را تبلیغ میکرد. ۰ پلاتفرم یکسال پیش رفیق بابا علی چه بود؟ ۱- نظر اقلیت طرح پیش نویس اساسنامه سازمان و دفاع از اصلاح سبک کار حزبی ۲- افشا درک لیبرال فرمیستی اکثریت دفتر سیاسی از مرحله انقلاب ۰ در برخورد به بحران تشکیلاتی گرایش چپ بدرستی بر مبنای مبارزه ایدئولوژیک علنی بمثابه سلاح مبارزه علیه مقابله و فرقه ای محفلی تا یکپرده و حقانیت دفاع از مبارزه ایدئولوژیک علنی و آزادی کامل مباحثه، لا اقل در آراء شکننده نه تبخیر فراند و مگذائی (که مطمئناً آب خواهد رفت) بخوبی نمایان است، و شکست گرایش انحرافی راست بر نامه ای وانعکاس آن در تاکتیکها و سیاستهای اشتلاقی بویژه در برخورد به جریان کشتگر و سایر جریانات راست تاکنون بر همگان آنچنان آشکار گشته است که دیگر نیازی به بحث تفصیلی نیست، پس رفیق بابا علی هم نسبت به بوروکراتیکسم محفل حاکم بر سازمان و هم نسبت به گرایش راست آن در میانی، یک گام پیش تر بوده است. از این سروسر و بطور تصادفی سخنگوی جناح چپ نشد! و اما اینکه بعسدا رفیق دچار لغزش هاشی نظری گردیده، نمی توان خدمات بزرگوار او را افشا، راست رویا و ابور تونیسیم محفل حاکم انکار نمود. ماهیه مبارزات رفیق بابا علی در راه کارگر ارجح می نهمیم و معتقدیم که تمامی راه کارگرها باید جنبش کنند! ما ضمن اینکه نسبت به بخشی از نظرات رفیق موضع داریم، بشیوه سیاسی بمسئله برخورد خواهیم کرد. سبک "خلی حزبی" محفل موسوم به دفتر سیاسی راه کارگر! نسبت دادن "فرا از زیر پرچم فرار از میدان مبارزه" به رفیق بابا علی، همچون اتهامات و افتراات بیشمار دیگری به رفقای ماست که توسط محفل مذکور سازمان داده میشود.

در مقاله مندرج در ارگان محفل حاکم آمده است که "۰۰ سازمان مابه انحلال طلبی راه ندارد" محفل حاکم که مثل جن از بسم اللوارا داده توده های حزبی هراس داشت، ادعای کند که سازمان ما به انحلال طلبی راه ندارد، ولی این دروغ آشکاری است که نیروهای جنبش شاهد بودند که کوچکترین مرجعه به بدنه سازمان صورت نگرفت و اجازه دخالت در کار "بزرگتر" به آنها داده نشد، معلوم میشود که منظور از سازمان ما، همان محفل حاکم است! بیچاره توده های حزبی که بنامشان چه هان میشود؟! محفل حاکم که تبعیت اقلیت از اکثریت را بمعنای اطاعت کورکورانه توده اعضا، از محفل حاکم می فهمد، اصل نئینی اتحاد در عمل و آزادی کامل مباحثه و انتقاد در حزب



## ...از میان نشریات

بیاد آور شویم که اگر رفیق بابا علی با شما در حوزه تاکتیکها بر خورد به جماعت کشتگر هم نظر بوده، شما در مجموع بسه طیف راست ارادت داشته اید. انصافاً بابا علی لا اقل این برتری را بر شما داشت که با عضو گیری عناصری که در لو داد ن نیروهای انقلابی به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی شرکت داشته اند مخالفت ورزد، در حالی که بخشی از شما موافق بودید! بنا بر این در این حوزه ها سخن کوتاه کنید! ما، بسا توجه به تجربیات و عواقب تاکنونی این قبیل برخوردهای خود محور بینانه و فرقه ای، شمارا به برخورد سیاسی و مسئولانه نسبت به مسائل جنبش دعوت می کنیم!

"آزادی در نظر، وحدت در عمل" - راعدماسوی "امتناع اقلیت از اجرای رای اکثریت" تفسیر می کند. طبیعتاً طرفداران اقلیت کمسیون اساسنامه و اقلیت جناح دفتر سیاسی، علیرغم در صد قابل توجه و رشدیابنده اش، در سایه "دمکراسی" اعطائی محفل حاکم بر نشریه نمی تواند لب به سخن بکشاید و از مفهوم نئینی "اتحاد در عمل و آزادی در مباحثه و انتقاد" بشیوه حزبی دفاع نمایند؛ چرا که چماق عدم تبعیت اقلیت از اکثریت بر سرش فرود خواهد آمد!

محفل حاکم، که آب از سرش گذشته، با نانی ندار در رفیق بابا علی را با کشتگر مقایسه کند. در اینجا باید به این محفل

## آرزوهای پای برجای اکثریت

دمکراتیک در مناسبات میان نیروهای مسلح و بی اعتنائی به خواست ترقی خواهان به سنل نظامی و انتظامی، سیاست فضاحت باری است. "آخرتقصیر اما مزاده هانیست که معجزه نمیکنند، تقصیر از نوع معجزات غیر قابل قبولی است که "اکثریت" طلب میکند. مثلاً بهترین است که "اکثریت" از حکومت می خواست که دست از حکومت بردارد؟! این که عملی تر از دمکراتیزه کردن ارگانهای نظامی توسط رژیم است! تازه پس از کنار گیری دا و طلبانه حکومت اسلامی و بسته به حکومت بعدی، شاید بتوان "روح دمکراتیک در مناسبات میان نیروهای مسلح و..." را متحقق نمود!

مقاله در انتها اظهار اطمینان میکند که "نیروهای میهن پرست ارتش و سپاه علیه اهداف خود غر فانه سران رژیم بر مقاومت خود خواهند افزود". اگر رفسنجانی این مقاله "اکثریت" را بخواند، خواهد گفت: اولاً، این ارتش و سپاه در جنگ چندین ساله به اندازه کافی نشان دادند که "میهن پرستند" و این دلیل نمیشود که هر کس "میهن پرست باشد" روح دمکراتیک در مناسبات میان نیروهای مسلح ارتش اسلام را بخواهد، نیروهای سپاه از دم، همه اسلام را میخواهند، نه مناسبات دمکراتیک بین نیروهای مسلح را. ثانیاً، خط امام درون سپاه همان خط امام دوران حیات حضرت امام است. هر کدام از پرسنل سپاه خودشان یک امامزاده اند. این امامزاده ها شفا نمیدهند، دخلیت را جای دیگری ببند! اما مگر "اکثریت" با این حرفها از پایمیشند! باور نمی کنید؟ منتظر مقالات بعدی "اکثریت" باشید!

همگی بیاد داریم روزی را که "اکثریت" بر در و دیوار و با درشت ترین خط ممکن یعنی تاجدی که "امام پیسر" هم قادر به خواندنش باشد می نوشت: "با سداران راه به سلاح سنگین مجهز کنید!" همگی بیاد داریم که چگونه "اکثریت" در بین حکومت و ارتش و سپاه و ارگانها، شب و روز دنبال جناح خط امامش میگشت تا در راستای انقلاب، "عزیزانش" را تقویت کند. چند سال پس از آن قیل و قالها، یعنی پس از آنکه سپاه مجهز به انواع سلاحها پشت دست "اکثریت" را داغ کرد و خط امام برایش خط و نشان کشید تا دیگر از این فرمایشات نکند، به نظر می رسید که جناب "اکثریت" هم بچه خوبی شده باشد، چون به حال بسه خودش زخم زده و به بخشی از "اشتباهاتش" اعتراف کرده و هوادارانش را بی پاك کردن شعارهای درشت فرستاد؛ چرا که حضرت امام آنها را به اندازه کافی دیده بود، اما سوزش پشت دست اکثریت که فرو نشست، بی گیری قباله های گذشته اش دوباره گل کرد. "اکثریت" هر از چندگاهی یک بند حاجت دیگر به فریخ خط امام می بست تا شاید در غیاب امام، امامزاده ها شفا بدهند.

آخرین دخیل "اکثریت" مقاله "ساختار نیروهای مسلح باید دمکراتیک و واحد باشد" مندرج در کار شماره ۷۰ آرمه ۱۶۸ است. ارگان رسمی اکثریت ضمن بررسی بخشی از تغییر و تحولات در ارتش و سپاه نتیجه میگیرد که "بسه نظراً هم سیاست حفظ نهاد های موازی مسلح، سیاست شکست خورده ای است، که البته این موضوع را رفسنجانی هم می داند، ولی هر چه تلاش میکنند می توان این دونه ساد موازی را به هم جوش بدهد" و هم امتناع از جاری کردن روح

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!



تا کتبیکی جناح دفتر سیاسی در بر خور دبه احزاب غیبر۔  
 پرولتري۔ بحران تشکيلاتي۔ قطعنامه در باره چشم انداز  
 آتی و وظایف ما۔ ضوابط مبارزه ايدئولوژیک علنی۔ حقوق  
 اقلیت سازمانی در برابر مخالفت بانظرات رسمی و...  
 کنفرانس پیام‌های زیر را تصویب نمود:  
 پیام‌به زندانیان سیاسی، خانواده‌های شهیدا و  
 زندانیان سیاسی۔ پیام‌به کارگران و زحمتکشان۔ پیام‌به  
 اعضا و هواداران راه کارگر و پیام‌به سازمانها، محافل و  
 عناصر کمونیست و انقلابی.  
 مجموعه نتایج کنفرانس ما در همین شماره اتحاد  
 کارگران از نظر خوانندگان می‌گذرد.

کنفرانس نیروهای جدا شده از سازمان کارگران انقلابی  
 ایران (راه‌کارگر) پس از ۸ ماه تدارک نظری و عملی، در  
 دو بخش: بخش نخست در آذرماه و بخش پایانی در بهمن  
 ماه امسال برگزار شد. در نخستین بخش کنفرانس۔ که قبلا  
 گزارش فشرده آن داده شد۔، مرزهای برنامه‌ای و اساسنامه  
 ای مان با جناح دفتر سیاسی ترسیم گردید و قطعنامه راجع  
 به انترناسیونالیسم پرولتري، کشورهای سوسیالیستی  
 و جنبش جهانی کمونیستی به تصویب رسید. مصوبات و  
 قطعنامه‌های قسمت دوم کنفرانس به قرار زیرند:  
 قطعنامه وحدت۔ قطعنامه در محکومیت مشی راستروانه

## قطعنامه‌ها و مصوبات کنفرانس:

### درباره اساسنامه موقت

۳۔ از ماده ۲۰ (بخش مربوط به ضوابط انضباطی): فرمول پیشنهادی  
 اقلیت کمیسیون اساسنامه بخش دوم حذف میگردد.  
 این بخش از این ماده که به اعمال ضوابط انضباطی در مورد اعضای ک م.  
 اختصاص دارد، حق اخراج اعضای ک م را از سازمان باید آراء اعضا و اعضای  
 مشاور ک م. و کمیسیون کنترل مرکزی که همه اعضای مشاور در این مورد رأی قطعی  
 بر خور دار خواهند بود، به رسمیت می‌شناسد. اما از آنجا که اولاً این ماده با ضوابط  
 سانترالیزم دمکراتیک مطابقت ندارد، به همین دلیل نیز نمی‌تواند جاشی در  
 اساسنامه داشته باشد، ثانیاً اعضای ک م. بوسیله کنگره انتخاب می‌شوند و کمیته  
 مرکزی حق تعیین ترکیب اعضای خود را ندارد، بنابراین ماده ۲۰ بصورت زیر  
 مورد اصلاح و تصویب قرار گرفت:

"ماده ۲۰۔ تویخ و سلب مسئولیت از اعضای ک م. در اختیار پلنوم کمیته  
 مرکزی است. اخراج عضو مشاور ک م. و کمیسیون کنترل مرکزی (\* ) از اختیار  
 کنگره سازمان است."

۴۔ قسمت دوم تبصره ماده ۲۳ حذف و عبارت دیگری جایگزین آن گردید.  
 این قسمت از این ماده، اختیار و حق بر کماری اعضای جدید برای ک م. تنها  
 تعداد را به کمیته مرکزی واگذار می‌کند. به عبارت دیگر این تبصره اختیار تعیین  
 ترکیب کمیته مرکزی را برای اعضای ک م. بوجود می‌آورد. حال آنکه تعیین اعضا  
 ک م. و اعضای مشاور آن تنها در اختیار کنگره سازمانی است.  
 بنابراین از تبصره ماده ۲۳، عبارت زیر حذف گردید:

"در شرایطی که ترمیم ارگان کمیته مرکزی برای رسیدن به حدنصاب لازم  
 مصوبه کنگره از میان اعضای مشاور مقدور نباشد، اعضای ک م. می‌توانند تنها  
 تعداد خود، اقدام به بر کماری اعضای جدید برای ک م. نمایند."  
 و عبارت زیر بعنوان جایگزین مورد تصویب قرار گرفت:

"کنگره به تعداد ۱/۳ کل کمیته مرکزی اعضای را به عنوان مشاور در ک م. بر  
 می‌گزیند که کمیته مرکزی تنها از میان آنها می‌تواند به ترتیبی که در کنگره انتخاب

(\* ) کنفرانس باتفاق آراء ضمن پذیرش اصولیت "کمیسیون کنترل مرکزی" در  
 اساسنامه معتقد بود که ایجاد نهادی کمیسیون کنترل مرکزی با سطح فعلی  
 رشد تشکيلاتي ما انطباق ندارد، و ایجاد دیک دادگاه حزبی بمثابه نهادی غیر دائمی  
 را ضروری تشخیص داد.

کنفرانس باتفاق آراء " طرح جدید اساسنامه " سازمان (نظر اقلیت است  
 کمیسیون اساسنامه) را مبنای کار خود قرار داد و با تصویب اصلاحاتی بر آن، این  
 اساسنامه اصلاح شده را بعنوان " اساسنامه موقت " تا کنگره سازمانی به تصویب  
 رسانید.

اصلاحات مزبور به ترتیب به قرار زیرند:

۱۔ عبارت " براندازی جمهوری اسلامی و پیکار برای دمکراسی نقطه آغاز این  
 انقلاب است " از پاراگراف سوم مقدمه " طرح جدید اساسنامه " حذف گردید.  
 کنفرانس با اکثریت آراء حذف این جمله را با توجه به صراحت یابی اخیر نظرات  
 اکثریت دفتر سیاسی که مبارزه برای دمکراسی و برنامه حداقل رابیه یک فاز از مرحله  
 انقلاب تبدیل کرده است، ضروری تشخیص داد. از نظر کنفرانس جملات ماقبل  
 این عبارت بخوبی گویا هستند.

۲۔ از ماده ۱۱ (بخش مربوط به نحوه عضوگیری)، عبارت: " اما این دوره  
 در تشکيلات خارج از کشوری نتواند تا سه سال افزایش یابد، " و از تبصره مربوط به  
 این بند عبارت: " اما حداکثر دوره آزمایشی سه سال خواهد بود " حذف میگردد.  
 عبارات فوق از نظر کنفرانس اضافی تشخیص داده شده است، و استدالات این  
 امر به قرار زیرند که:  
 اولاً: با توجه به تبصره بند ۱۲، که احتمال لزوم تجدید دوره آزمایشی  
 را پیش بینی می‌نماید؛

ثانیاً: با توجه به تبصره بند ۱۱، که حق ک م. را برای تغییر مدت دوره  
 آزمایشی در فواصل کنگره، با توجه به شرایط، محفوظ می‌دارد این تبصره خود  
 ناظر بر احتمال اتخاذ سیاستهای دوره‌ای متفاوت می‌باشد؛  
 تعیین حدنصاب سه ساله برای خارج کشور اضافی است.  
 بنابراین ماده فوق همرا با تبصره ۱ مربوط به صورت زیر به تصویب  
 کنفرانس رسیدند:

"ماده ۱۱۔ طول دوره آزمایشی نامزد های عضویت برای کارگران شش ماه و  
 برای غیر کارگران یک سال است."  
 تبصره ۱۔ دوره آزمایشی در مورد افراد که از گروه‌ها و سازمانهای دیگر به  
 سازمان می‌پیوندند، بسته به اوضاع و احوال مشخص و پیشنهاد معرف و تصمیم  
 ارگان تصویب عضویت متفاوت است."

شده اند خود را ترمیم نماید \*

رابطه با:

- ۱- ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی،
- ۲- وظائف دادگاه حزبی که در حال حاضر، متناسب با سطح رشد تشکیلاتی مان بجای کمیسیون کنترل مرکزی برمی گزینیم،
- ۳- شکل فعلی رهبری تشکیلات و نحوه تقسیم کار درونی در دستور کار خود قرار داد \*

طبیعی است در شرایطی که بدلالی بخش اعظم اعضای کمیته مرکزی یـ مشاورین منتخب کنگره غایب گردند، لزوم فراخوانی کنگره اضطراری برای تجدید انتخابات و دستیابی مجدد به حدنصاب لازم مطرح خواهد بود \*

علاوه بر اصلاحات فوق در " طرح جدید اسانامه " ( نظر اقلیت کمیسیون اسانامه ) و تصویب آن، کنفرانس تدوین و تصویب قوانین و آئین نامه ها فی رادر

## راجع به اختلافات برنامه ای

- ۱- نیروی همزبونیک آن پرولتاریا و نیمه پرولتاریاست،
- ۲- خرده بورژوازی به خودی خود نه ویران گر نظام بهره کشانه سرمایه - داریست و نه سازنده سوسیالیسم؛ لایه هائی از آن پس از تجزیه طبقاتی که به سمت پرولتاریا میگردند در دوران انتقال به اعتبار پرولتاریا و نقش همزبونیک آن با وی همراه میگردند \*
- ۳- خرده بورژوازی فوقانی در روند مبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق موضعی متزلزل و بخشاً ضد انقلابی دارد \*
- ۴- مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی و سمتگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتاریست و نه شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا \*

از آنجاکه کنفرانس قلمنداشته است تا به تمام اجزای مسائل برنامه های - بپردازد، از اینرو طبق مصوبه مجمع نمایندگان تنها نظرش را حول ۲ مسئله اساسی مورد اختلاف ابراز داشت \*

این محور عبارت بودند از:

الف: مقبندی نیروهای انقلابی در مبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق،

ب: رابطه جمهوری دمکراتیک خلق با دیکتاتوری پرولتاریا \*

کنفرانس پس از بحث مفکی حول این دو محور مباحثه جمع بندی خود را بسته شرح زیر اعلام داشت:

۱- پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و خرده بورژوازی شهروروستا ( لایه میانی ) نیروی محرکه انقلاب برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق بوده که ستون فقرات

## قطعه نامه راجع به انترناسیونالیسم پرولتاری، کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی

نظر به اینکه:

هستیم و معتقدیم که تنها اصلاحات عمیق سیاسی به مفهوم گسترش و نهادی کردن دمکراسی سوسیالیستی، دخالت مستقیم طبقه کارگر و توده ها در اداره دولت و جامعه، متضمن پیروزی هر گونه اصلاحات دیگر در عرصه های اقتصادی و اجتماعی است \*

ج) ما با هر گونه سیاست و یا جنبش هائی که بعنوان آلترناتیو دول حاکم قصد لیبرالیزه کردن حیات سیاسی، تقویت و یا احیای پارلماناریسم و احیای سرمایه - داری را دارند رزمند زبندی داشته و معتقدیم که سیاست مستقل کمونیستی تنها و تنها مبارزه برای دیکتاتوری پرولتاریا به مفهوم حاکمیت و اعمال اراده کل طبقه - حاکمیت شوراها، مبارزه برای دمکراسی وسیع سوسیالیستی به مفهوم نظام شورائی در تمامی سطوح و ارگانهای اداری و نظامی و آزادیهای وسیع و بی قید و شرط سیاسی و مبارزه برای پابرجائی و شکوفائی نظام سوسیالیستی است \*

د) ما سیاستهای کشورهای سوسیالیستی در دفاع از مبارزات پرولتاریای جهانی، مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، جنبش های رهائی بخش و صلح جهانی را مورد حمایت قرار داده و آن سیاستهای که مغایر با وظائف انترناسیونالیستی این کشورها در قبالات انقلابات و یا جنبش های رهائی بخش بمثابه حلقه ات مقدم انقلاب جهانی هستند را محکوم می کنیم \*

بنابراین سیاست ما در قبالات احزاب حاکم بر کشورهای سوسیالیستی اتحاد و مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک است \*

۱- ارزیابی مجدد این موضوع به دور مباحثات برنامه ای، تدارک قبلی و اختصاص زمان کافی برای نیروهای تشکیلاتی مشروط می باشد،

۲- بازبینی درک ما از انترناسیونالیسم پرولتاری بمثابه یکی از پایه های وحدت حزبی ما در ملاحظیت کنگره سازمانی است، کنفرانس اعلام میدارد که تمم مزبور از دستور کار کنفرانس حذف و به کنگره سازمانی موکول میگردد \*

و از آنجاکه مبنای تاکتونی ما پاسخگوی تحولات اخیر در این کشور هائی باشد، کنفرانس بحث حول این موضوع را در دستور مباحثات پیشاکنگره قرار میدهد \*

اما در مرتبندی مصلحت گرایانه و پراگماتیستی تاکتونی دس سی - توانیم در اتحاد با دستاوردهای سوسیالیسم و مبارزه با نقصانهای موجود در کشورهای مذکور، چارچوب موضع گیریهای آتی مان را معین کنیم \* بنابراین - کنفرانس مقرر میدارد که:

الف- ما از جنبش های کارگری در این کشورها، در جهت: گسترش دمکراسی سوسیالیستی و آزادیهای وسیع سیاسی و مدنی و بهبود سطح معیشت در راستای نظام شورائی و دیکتاتوری پرولتاریا و نهایتاً انتقال قدرت از دست حزب به طبقه دفاع می کنیم و همچنین پیشگامی و با هم سوئی آن دسته از احزاب حاکم را که برای متحقق ساختن این اصلاحات می کوشند، مورد حمایت خود قرار می دهیم \*

ب) ما خواهان اصلاحات عمیق اقتصادی - سیاسی و اجتماعی در این کشورها

## بحران تشکیلاتی

و انتخاب شدن در ارگانهای سطوح پائین و بیوزنه عدم انتخابی بودن ارگان مرکزی و ملاحظه قرارداد ادنیائیهای دیرینه و اعتمادهای محفلی؛

۲) عدم وجود آزادی کامل مباحثه و انتقاد آشکار از تصمیمات حزب در چارچوب برنامه و اسانامه سازمان، جایگزینی سازش ایدئولوژیک بجای مبارزه ایدئولوژیک در سال، بی نظری در پائین وی توجیهی به ارتقاء سیاسی - ایدئولوژیک اعضا و توجیه اعضا با تنها نظر رسمی (که آلوده به گرایش راست و سانتریستی نیز بوده است)؛

۳) جاری نکردن انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی به مفهوم نقد و بررسی کارکرد

بحران در تشکیلات راه کار گری را اثر محفلیسم و فرقه گرایی بر بستر ساختن فوق سانترالیستی تشکیلات بوده است \*

رهبری تشکیلات با مسخ تئوری لنینی تشکیلات متناسب با منافع فرقه ای و فوق سانترالیستی و اهداف سیاسی خود، با تقسیم کردن تشکیلات به دو بخش فعالین و توده منفعل و مجری و با عدم بکارگیری اصول سانترالیسم دمکراتیک در مناسبات تشکیلاتی و سبک کار، با:

۱) عدم اعتقاد به رهبری و خرده جمعی در تشکیلات، نقض و یا مسخ انتخاب کردن

داده است \*

ان شعبات در سازمان مانیز معقول عوامل ذکر شده در بالا به مثابه مهمترین ریشه‌های بحران و پافشاری رهبری در پاسداری و حراست از آنان بوده است \*

• ارزیابی ذکر شده در بالا درباره بحران تشکیلاتی مورد تصویب کنفرانس قرار گرفت \*

علاوه بر آن و در ارتباط با آن در مورد رابطه مضمون فعالیت با سبک کار غیر کمونیستی دو نظر مطرح بود: نظری که منشأ بحران را سبک کار غیر کمونیستی و مضمون فعالیت پیوپولیستی می‌دانست و نظری دیگر که بحران را محصول تضاد سبک کار غیر کمونیستی و مضمون فعالیت کمونیستی ارزیابی می‌نمود، که نهایتاً هیچکدام از دو نظر از اکثریت مطلق آراء برخوردار نگردید \*

ارگانها و افراد در تمامی سطوح، به قضاوت گذاری هر چه وسیعتر و کار بست نتایج آن؛

۴) عدم برگزاری کنگره ها و کنفرانس ها به مفهوم اعمال اراده توده های سازمانی در تصمیمات و مصوبات حزبی و عدم امکان حسابرسی و کنترل از عملکردها و سیاستهای بین دوره ای رهبریت در فاصله مجامع سراسری حزبی و بکارگیری توجیهاتی از قبیل - امنیتی و تدارکاتی در این رابطه؛

۵) انکار هرگونه حق اعضای سازمان در برابر نظراتشان و محروم ساختن اقلیت از حقوق سازمانی خویش؛

۶) جایگزینی سیستم بوروکراتیک لیبرالی بجای نظم آگاهانه؛

بی حقی عمومی را عملات تشبیه نموده و بوروکراتیسم را در تشکیلات سازمان

## قطعنامه وحدت

۱- اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا و مبارزه برای سازماندهی قدرت پرولتری؛

۲- اعتقاد به اجتماعی (خند سرمایه داری) بودن انقلاب آتی ایران با وظایف معوقه دمکراتیک، دولت نوع پرولتری و انتقال بی وقفه به سوسیالیسم، و در این راستا سازماندهی همونی پرولتاریا بمنظور تحقق نظام شورائی؛

۳- تاکید بر سازماندهی عملی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی از طریق:

الف- تاکید بر تشکیل حزب واحد طبقه کارگر بر مبنای درک لنینی از حزب، که بر اساس سانترالیزم دمکراتیک (۱) سازمان می‌یابد،

ب- تلاش برای دست یابی طبقه کارگر به تشکلهای مستقل طبقاتی خود هدایت این تشکلهای،

ج- سازماندهی همونی طبقه کارگر در تشکلهای توده ای؛

۴- ارتجاعی و ضد انقلابی دانستن رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت آن،

۵- اعتقاد به انترناسیونالیزم پرولتری (۲).

### زیرنویس

(۱) درک لنینی از حزب و سانترالیزم دمکراتیک به معنای اتحاد در عمل و آزادی کامل مباحثه و انتقاد تاکنون در مباحثات مابین از بحران و انشعاب تحمیلی مطرح گشته که تیلوران در اساننامه موقت مصوبه کنفرانس اخیر ما در آئین نامه های مربوطه منعکس است \*

(۲) از سه جزء انترناسیونالیزم پرولتری مورد اعتقاد ما، محور کشورهای سوسیالیستی اکنون جزو مباحثات ماست که با تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی نیاز به برخورد و موضعگیری صریحتر دارد و از نظر ما تا کنون سازمانی با ذات و طبعاً باید بعنوان یکی از محورهای مورد مباحثه مطرح باشد \* طبیعی است مواضع سیاسی ما حول این محور مبتنی بر قطعنامه "راجع به انترناسیونالیزم پرولتری کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی" مصوبه در کنفرانس ماست \*

در شرایط کنونی که؛

۱) مبارزات پراکنده و کم دامنه کاری و توده ای در کنار وضع بغایت نابسامان اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی هر چه بیشتر حضور فعال و مؤثر کمونیستهار در روند این مبارزات می‌طلبد؛

۲) فقدان آلترناتیو قدرتمند برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق از طریق غلبه بر تشمت و پراکندگی موجود در جنبش کمونیستی ایران هر روز محسوس تر می‌گردد؛

۳) بایه بن بست رسیدن درکهای انحرافی از سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی و احزاب دنباله رو و بحرانی شدن این کشورها و احزاب مزبور فضائی مناسب تر از گذشته برای سوسیال دمکراسی و انواع و اقسام انحرافات از مارکسیسم-لنینیسم انقلابی فراهم آمده است، و به همین دلیل نیز بیش از هر زمان دیگر نیاز به متمرکز ساختن نیروها و امکانات کل جنبش کمونیستی ایران برای متحقق نمودن امر سازماندهی طبقه کارگر بمنظور کسب قدرت سیاسی وجود دارد؛

۴) تمامی شواهد حکم بر ناتوانی فرقه ها در پاسخگویی به وظیفه مبرم سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و ضرورت وحدت در جنبش کمونیستی و تشکیل حزب واحد طبقه کارگری میدهند؛

کنفرانس ضمن تصریح مجدد مبنای وحدت ما - علیرغم اختلاف نظراتی که بین ما و سایر جریانات چپ انقلابی ایران حول این مبنای وجود دارد - آمادگی خود را برای مذاکره با تمامی سازمانها و جریانات و محافل کمونیست که چارچوب های ذیل مورد پذیرش آنهاست، برای از میان برداشتن موانع نظری و عملی وحدت، اعلام داشته و شورای رهبری را موظف می‌دارد تا با جریاناتی که اعلام تمایل می‌نمایند وارد مذاکره شود؛

مبنای وحدت ما

مبنای وحدت ما، که همان اصول و بنیادهای برنامه‌های ما و اساننامه‌ای هستند، عبارتند از:

## قطعنامه در محکومیت مشی راستروانه تاکتیکی جناح دفتر سیاسی در برخورد به احزاب غیر پرولتری

برخورد به احزاب غیر پرولتری و سیاستهای ائتلافی ما را فراهم می‌آورد؛

بنابر این کنفرانس اعلام میدارد:

۱- وظیفه اساسی و حیاتی ما - منطبق با درک ما از مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن و نیازهای امروز جنبش طبقه کارگر - ایجاد بلوک انقلابی دمکراتیک، از نیروهای است که ظرفیت مبارزه برای آلترناتیو حکومتی (جمهوری دمکراتیک خلق با برنامه انتقالی) را دارا می‌باشند، و هیچ ائتلافی و باجبهه‌ای نباید اهمیت و تشکیل بلوک انقلابی - دمکراتیک را تحت الشعاع قرار دهد \*

۲- ایجاد بلوک برای سرنگونی و آلترناتیو حکومتی بالیبرال دمکراتیک با لحاظ اصولی مجاز نیست چرا که بلوک سرنگونی نمی‌تواند از آلترناتیو حکومتی (بلوک جانشینی) جدا باشد، حال آنکه آنان فاقد ظرفیت مبارزه حول پلاتفرم انقلابی می‌باشند \*

امامی توان در پاسخگویی به الزامات مبارزات دمکراتیک توده ای و در راستای منافع

نظریه اینکه:

الف- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - جناح دفتر سیاسی - در انطباق با نگرش خود از مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن، مبارزه برای برنامه انتقالی (جمهوری دمکراتیک خلق) را بمثابه هدف فوری پرولتاریا در انقلاب عملی حذف نموده و مبارزه در چارچوب مطالبات بورژوا دمکراتیک (برنامه حداقل) را هدف فوری خود قرار داده است و از اینرو ضرورت ائتلاف با کل خرده بورژوازی بر محور دمکراسی مطرح نموده است؛

ب- مشی راستروانه جناح دفتر سیاسی در قبال برخورد به احزاب غیر پرولتری در انطباق با جبهه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی (جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی) بوده که بازتاب عملی خود را در قبال سازمان فدائیان خلق (کشتگرها) «شیوه خزنده، شرمگینانه و نوسانی نشان داده است؛

ج- اصلاح و تدقیق درک ما از مرحله انقلاب ضرورت بازبینی و اصلاح شیوه

هیچگونه جنبه و اتحاد عملی را با آنها متصور نمی دانیم .

۳- اعمال " بایکوت " در مورد جریانات سیاسی را غیر اصولی دانسته و معتقدیم که این امر را می بایست با مقولات اثنائلی و سیاست دوره ای پاسخ داد . علیرغم مبرک اخلاقی و منزه طلبانه جاری در جنبش چپ ایران ، انتقاد از خود رهبری و رأی در قبال همکاری با جمهوری اسلامی و گذشته خیانتبارشان مشروط به آنکه این انتقاد از خسود ریشه ای ، بینشی و برنامه ای باشد ( و نه هر انتقاد از خود بدون توجه به زاویه نقد و جهت گیر بعدی آن ) مثبت ارزیابی کرده و از بیوستن نیروهای بینابینی و متزلزل به صف انقلاب استقبال می کنیم ، و هرگونه انتقاد از خود ناقص و فرمت طلبانه که تا سطح نقد پایه های نظری و برنامه ای نباشد ، افشا می نماییم ( از جمله انتقاد از خود سازمان فدائیان خلق ایران که با حفظ پایه های نظری به منجلا ب سوسیال دموکراسی سقوط کرده است ) .

شرط رهبری سازمان در مورد در رفع " بایکوت " از سازمانهای طیف راست مبنی بر آنکه " اعلام بدارند جمهوری اسلامی از ابتدا ضد انقلابی بوده " را شرطی غیر اصولی می دانیم ، بکما اینکه حزب دمکراتیک مردم ایران که صریحاً این امر را اعتراف کرده سازمان فدائیان خلق که به شکل غیر صریح به این امر اقرار نموده است ، بخودی خود مثبت نبوده و زاویه نقد این جریانات نشان دهنده حفظ موضع اپورتونیستی گذشته در پوششی دیگر است .

از اینرو ، سیاست ائتلاف با سازمان فدائیان خلق ( کشتگرها ) و " رفع بایکوت " از این سازمان بخاطر مضمون راستروانه تاکتیکی اش و بخاطر مغایرت بامشی کمونیستی در برخورد به احزاب غیر پرولتری نادرست بوده است .

## قطعنامه درباره چشم انداز آتی و وظائف ما

۵) در مقیاس بین المللی ، الف : علیرغم سنگ اندازی حزب الله و علیرغم عدم وجود امنیت کافی برای سرمایه گذاری های گسترده امپریالیستهای ایران ، عموم محافل امپریالیستی از موجودیت این رژیم دفاع میکنند و همچنین روند استحاله در این رژیم را مطلوبترین روند تحولات میدانند ، ب : اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز از موجودیت این رژیم دفاع می نمایند و ضمن ترک مخاصمه طبقاتی در مقیاس بین المللی ، همچنان برای حفظ " تعادل قوا " دارای مناسباتی دوستانه با جمهوری اسلامی هستند ؛

لذا ، تحولات آتی ( قریب الوقوع ) ، تحولاتی بنیادی ( یا تحولی ) که در آن طبقه کارگر و با چپ در آن همزونی داشته باشد ( نخواهد بود و خصیمه اصلی اعتراضات آتی ، همانا کم دامنگی و برانگندگی آن خواهد بود ، و روند تحول تدریجی رژیم بنیاد تئستی - مذهبی جمهوری اسلامی به یک رژیم حتی الامکان متعارف بورژوازی روندی در دنک ، طولانی و پرتنش خواهد بود .

در چنین شرایطی که بویژه طبقه کارگر از تشکل و آمادگی لازم برخوردار نیست ، حتی در صورت تبدیل احتمالی " بحران حکومتی " به اعتلا و موقعیت انقلابی ، تصرف قدرت سیاسی بوسیله چپ امکان پذیر نخواهد بود ( مگر آنکه در مسیر یک جنگ داخلی طولانی قرار بگیریم ) . در این رابطه باید چپ انقلابی به سبک کار و شیوه فعالیت تاکنونی خود پایان دهد و در جهت فعالیت کمونیستی - کارگری گام گذارد .

بنابراین وظیفه اساسی ما عبارت خواهد بود از :

الف ( سازماندهی مستقل طبقه کارگری ریزی و تدارک ایجاد حزب و احد طبقه کارگر ؛  
ب ( تلاش در جهت ایجاد آلترناتیوی نیرومند و واقعی از طریق ایجاد بلوک کمی انقلابی - دمکراتیک بمنظور مداخله مؤثر و هدایت جنبش های کارگری - توده ای از طریق تبلیغ و ترویج و سازمانگری حول مطالبات پایه ای کارگران و زحمتکشان و برنامه انتقالی ؛  
ج ( تشدید مبارزه در جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق .

جنبش طبقه کارگر ، اتحاد عمل های مشروط ، موردی و حول مطالبات معین را با ارزیابی مشخص سازمان داد ، ولی اصولیت اتحاد عمل های موردی را با این طیف دلیل بر مجاز بودن این امر در شرایط مشخص نیست .

بعبارت دیگر هر چند که کمونیستها مبارزه در کنار لیبرال دمکراتها ( طیف توده ای ) و سوسیال دمکراتها را برای اجزائی از مطالبات حداقل غیر اصولی تلقی نمی کنند ، ولی مجاز بودن آن را مشروط به ارزیابی از شرایط مشخص مبارزه طبقاتی و منافع جنبش کارگری می نمایند .

در شرایط کنونی که :

اولا : کمونیستها و انقلابیون دمکرات هنوز فاقد جنبه ای پایدار برای سرنگونی و آلترناتیو حکومتی اند ؛

ثانیا : سازمانهای چپ انقلابی و دمکرات از فقدان پیوند لازم با مبارزات انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان رنج می برند ؛

ثالثا : اتحاد عمل ها و ائتلافهای موجود نیز عمدتاً نه از بسترواقعی مبارزات کارگران و زحمتکشان و منتج از نیازهای واقعی جنبش ، بلکه منافع و اهداف فرقه ای فرقی گوناگون را دنبال کرده و از خصلت فرقه ای برخوردارند ؛

رابعا : اتحاد عمل با لیبرال دمکراتها در خدمت تطهیر مشی خیانتبارشان و خدمتگزاری به سوسیال دموکراسی قرار می گیرد تا تقویت مبارزه دمکراتیک توده ای و ایجاد آلترناتیو انقلابی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ، ما با طیف رفرمیست و سوسیال - دمکرات که برنامه شان نه انقلاب بلکه رفرم ، نه نفی حاکمیت در کلیت آن ، بلکه چشم دوختن به بخشی از اقدامات و جناحهای آنان است مرز بندی قاطع داشته و تشکیل

نظریه اینکه :

الف - با مرگ خمینی بمشابه میانجی ذینفوذ ( اتوریته ) در بین جناحهای رژیم اسلامی ، " بحران حکومتی " تشدید گردیده است ، و این جنگ قدرت در بالا هر روز مشهودتر میگردد ؛

ب - با تشدید بحران در بالا بر زمینه ناراضی های عمومی ( زندگی و خیم اقتصادی سیاسی - دمکراتیک و مدنی توده های مردم ) ، بروز اعتراضات و اعتصابات حرقه هائسی در بین توده های زحمتکش و سایر اهالی لایه های اجتماعی اجتناب ناپذیر گردیده و در این دور نیز شاهد برخی از این حرکات و جنبش های اعتراضی بوده ایم ؛

ج - از نظر اقتصادی ، ایجاد تحریک در اقتصاد و تیتاحتاحل بحران ، از یک طرف بخاطر بالا گرفتن جنگ قدرت در بالا بر سر حکومت و امتناع بخش خصوصی ( با وجود انباشت بی سابقه نقدینگی در این بخش ) از سرمایه گذاری در تولید در راستای متحقق ساختن امر " بازسازی " و اکتفا نکردن آن به کسب امتیازات ، و از طرف دیگر ( و مهمتر ) بخاطر ، عمق بحران و خیم اقتصادی و فقر و فلاکت توده ای در چشم انداز نزدیک ، نامحتمل است ؛ لذا ، در دور آتی ما همچنان شاهد گسترش حرکات ، اعتراضات و اعتصابات توده ای خواهیم بود .

اما از آنجاکه :

۱) آلترناتیو واقعی و سازمانگرا نه اعتراضات توده ای وجود ندارد و سازمانهای انقلابی نیز فاقد اتوریته و توان لازم برای مداخله مؤثر در هدایت جنبش های اعتراضی اند ؛

۲) طبقه کارگر ایران که رسالت رهبری انقلاب آتی را بعهده دارد ، از تشکل و آمادگی لازم برخوردار نیست ؛

۳) رژیم از لحاظ قوه قهریه ( سپاه ، ارتش ، ساوا ، بسیج و کل جیره و مواجیب - بگیران خود ) ، از آمادگی نسبی در مقابل با جنبش های کارگری ، توده ای و نیروهای انقلابی برخوردار است ؛

۴) بخش مهمی از اپوزیسیون بورژوازی ( یعنی بخشی از بورژوازی بزرگ که در جریان انقلاب و بدنبال شاه از ایران گریخت ، طیفی از لیبرالها و سوسیال دمکراتها ) و همچنین بخشی از سوسیال رفرمیسم ، چشم به روند تحول این رژیم دوخته و در این تحولات خود را ذینفع می بینند ( و به آن کمک نیز می نمایند ) ؛

## ضوابط مبارزه آیدئولوژیک علی

و حواصل سانترالیزم دمکراتیک به مفهوم اتحاد در عمل و آزادی در مباحثه و انتقاد در درون سازمان ، بخودی خود متضمن پذیرش آزادی کامل مباحثه و انتقاد آشکار از تصمیمات حزب در چارچوب برنامه و اساسنامه سازمان است .

برای کمونیستها سانترالیزم دمکراتیک متضمن رابطه ارگانیک و زنده رهبری با توده های سازمانی ، و همچنین حزب با توده طبقه است ، و این تنها راه دستیابی به حزبی توده ای و تشکیلاتی لنینی با انضباط آهنین است .

اما جاری شدن مباحثات علنی ایدئولوژیک در سازمان، همانند سایر امور جاری زندگی حزبی، باید از ضوابط معینی تبعیت کند تا اجرا، حسابرسی و کنترل آن نیز امکانپذیر گردد. این ضوابط به قرار زیرند:

- ۱- حق عرضو در برابر نظر
- ۲- ابراز مخالفت با مواضع رسمی سازمان، حق انکار ناپذیر هر عضو سازمانی است
- ۳- از این روکنفرانس مقرری دارد تا مباحثاتی از ارگان مرکزی بدین منظور اختصاص یابد
- ۴- سازمان دادن مبارزه ایدئولوژیک علنی در سازمان
- الف- قبل از اخذ تصمیمات سازمانی باید مباحثات با شرکت وسیعترین تعداد ممکن از اعضا، سازمان داده شود.

ب- پس از اخذ تصمیمات سازمانی و در فواصل کنگره ها و کنفرانس های سراسری، کمیته مرکزی (شورای رهبری) موظف است پیشنهادات رسیده برای گشایش مباحثات را به اطلاع اعضا، تشکیلات برساند، و در صورت درخواست  $\frac{1}{3}$  از اعضا، مباحثات مجدداً علنی حول تممور تقاضا سازمان دهد.

۱- کنگره ها و کنفرانس های سراسری می توانند تمم هائی را جهت مباحثه در دوره آتی تعیین نمایند. حدنصاب لازم برای تصمیم گیری جهت جاری نمودن مباحثه ایدئولوژیک حول هر تم معین، همانند سایر تصمیمات سازمانی، اکثریت مطلق آراء است. تنهایی از پایان مباحثات اولیه و پس از اخذ تصمیم سازمانی و عبارت دیگر تنها پس از شکل گیری اقلیت سازمانی، و در رابطه با گشوده شدن مباحثات مجسد، درخواست  $\frac{1}{3}$  اعضای حاضر در جلسه برای درستور مباحثه قرار گرفتن تمم ضروری کافی است.

تبصره: بدیهی است که کمیته مرکزی (ش.ر.) بمثابه ارگان رهبری تشکیلات در فواصل کنگره ها و کنفرانس های سراسری همواره مجاز خواهد بود تا متناسب با

تشخیص خود از نیازهای تشکیلات و جنبش مباحثاتی را در تشکیلات سازمان دهد. تصویب تم برای مباحثه عمومی از جانب ك م با اکثریت آراء انجام می گیرد. طبعاً عضو ك م نیز مانند هر عضو دیگر سازمان می تواند نظر مخالف خود را بنظر اقلیت خود را مبنی بر گشودن مباحثه عمومی حول هر تم معین از کانال ك م به اطلاع تشکیلات برساند.

۲- تعیین شکل مباحثه علنی (یعنی در ارگانهای رسمی سازمان و یا در بولتن های ویژه جداگانه و...) و میزان این مباحثه (یعنی زمان شروع و زمان خاتمه مباحثه) بر عهده کمیته مرکزی (شورای رهبری) است.

۳- کمیته مرکزی (شورای رهبری) و تمام سازمانهای حزب باید از طریق مباحثات

مقدماتی در سازمانهای حزبی امر مشارکت اعضا، را در مباحثه علنی از طریق پیش کتبی نظرات و مباحثات درون سازمانی، تدارک نماید.

### ضوابط عمومی در برابر نظر (بند ۱) و مبارزه ایدئولوژیک عموم سازمانی (بند ۲)

- ۱) آزادی کامل مباحثه و انتقاد آشکار از تصمیمات حزب نباید مانع اتحاد در عمل با خود اقلیت موظف به تبلیغ و ترویج نظرات اکثریت می باشد.
- ۲) مباحثه حول تم هائی که بار اطلاعاتی - امنیتی دارند نباید علنی صورت گیرد. همچنین هر گونه موار اطلاعاتی - امنیتی تحت هر عنوانی نباید در مقالات آورده شود.
- ۳) مبارزه ایدئولوژیک علنی باید در چارچوب اصول برنامه های و اساسنامه های سازمان باشد. (این امر البته با استثنای مواردی است که مباحثات حول مبنای و مواردی از اصول و چارچوبهای برنامه های گشایش یافته است، که گشایش آن نیز بسته تصمیمات کنگره ها و کنفرانس های سراسری سازمانی و تصمیمات ك م (شورای رهبری) و با تقاضای حدونصاب تعیین شده در این آئین نامه بستگی دارد.)

## آیا بر مناقشات درونی رژیم پایانی متصور است؟

از صفحه ۴



### بمناسبت فرارسیدن سال نو

می چرخد و می رود تا سحر دیگری به گر دخور شیرد را تجربه کند.

زخمی از زمستان • باید هزاران جوانه سرما زده • دل بروی بهار بگشاییم • بشکفیم • شکوفا کنیم • یخها را آب • آبهار آرد • رودها دریا • چرخشی دیگر به دور خورشید، پویشی دیگر در قلب خورشید را بیازمائیم • بهارمان را بچنگ آوریم • بهارمان را پای بفشاریم • چونان درختی که باریشه هایش، باغی را که با درختانش، جهانی با انسانهایش پای بفشاریم تا بهار شگفتن، تا شگفتنی بهار!

سالی دیگر از راه میرسد • شگفتنی دیگر • جوانه های کوچک از دل سرما با سماجت سر برمی کشند تا برگی شوند • برگ • برگ • هزاران برگ • اوراق سبز تاریخ بهاری دیگر • شکفته ها جان بر بهار می گشایند • جان از بهار می گشایند • با خون دل به خنده می شگفتند • با قلب صبحگون سیاهی را پس می زنند • جان بر سر نسیم، تابه تمر بنشینند •

درخت جهان به پوست کهنه اش می نگر نکسه آرام آرام ترک برمی دارد تا حلقه تازه ای از طراوت به اندام کهنه اش بیافزاید • دل صحر از خون، به شقایق می نشیند • زمین



حدث یابی تضادهای درونی رژیم در چشم انداز آتسی مابین جناح خامنه ای - رفسنجانی با جناح " حزب الله " بر سر تشبیت ولایت فقیه از یک طرف، و تمرکز قدرت در مجلس از طرف دیگر که در معادلات سیاسی و اجتماعی بی تاثیر نخواهد بود، میتواند دشمنانیت و عمق بیشتری پیدا نماید!

دارد، اما کنونی ترین شکل این مناقشات در مجلس شورای اسلامی قرار دارد • تلاش های تاکنونی جناح رفسنجانی - خامنه ای، قادر به تشبیت رهبری خامنه ای در جایگاه ولایت فقیه علیرغم حکوت آگاهانه او در پارهای از سیاست های مشخص مناقشه برانگیز رژیم، نبوده است •

بوده و او هم همان ولایت مطلقه خمینی را داراست! " حزب الله " ظرف چندماه گذشته هر آنچه که در توان داشت در مقابل به باحریف بکار بست: از سازماندهی تظاهرات کم دامنه و قابل کنترل (تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران تا بهشت زهرا در مخالفت با سخنرانی یکی از نمایندگان جناح رفسنجانی) تا طرح " سؤال " از وزیران کابینه •

بحران حکومتی و به تبع آن مناقشات درونی جناح های رژیم بیانگر ناتوانی رژیم در حلال ابتدائی ترین مسائل جامعه است • حوادث و واقعیت های جامعه در چندماه گذشته نشان از این دارد که صرف نظر از اینک " برنامه پنج ساله " تا چه حد نتواند در تحقیف بحران موفق باشد یا نباشد، پاسخگوی نیازهای عاجل توده ها نبوده است •

حذف حزب الله از صحنه قدرت اجرائی در کابینه رفسنجانی، به معنای پیروزی جناح رفسنجانی در پیشبرد برنامه های وی به منظور برقراری ارتباط علنی و وسیع با امپریالیسم آمریکا، ایجاد مناسبات دوستانه با کشور های منطقه خصوصاً عربستان، حل مسئله " استقرار " برای جذب سرمایه جهانی در جذب سرمایه گذاری در بخش های تعیین کننده اقتصاد • • نبوده است، زیرا مقابله مست حزب الله در چهره " اپوزیسیون قانونی " - هر چند بدون تشکیلات واحد - توانسته سیاست های رفسنجانی را کُشد و در باره ای موارد چمن نماید • ضمن اینکه بحران حکومتی در تمامی عرصه ها، از نماز های جمعه تا انجمن های اسلامی از دانشگاه ها تا حوزه علمیه بطور وقفه ناپذیری جریبان

## پیام های کنفرانس:

## پیام به زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی

رفقای دربند، انقلابیون و مبارزان اسارتگاههای جمهوری اسلامی!

کنفرانس ما با اعلام گرمترین دروهای انقلابی، مقاومت شمار شکنجه گاههای قرون وسطائی جمهوری اسلامی، که مظهر شکست ناپذیری پیکار انقلابی طبقه کارگر و مبارزه برحق توده های محروم کشورمان، علیه حکومت ننگین جمهوری اسلامی است راجع می نهد.

مقاومت و قهرمانی های بیش از یک دهه کمونیستها، انقلابیون و مبارزین و شهادت حماسی قافله ای از بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان، دلیل غیر قابل انکار پایداری و استواری شمس و داغ تنگی است بر پیشانی رژیم اسلامی که هرگز از خاطره تاریخ بشریت فراموش نخواهد شد. رژیم اسلامی بخاطر وحشت از انقلاب توده ها، انتقامجویی خود از طبقه کارگر و توده های محروم جامعه را، با توسل به ناجوانمردانه ترین و فزادناسانی ترین شکنجه های روحی و جسمی و ایجاد سخت ترین شرایط و فساد سیاهچال ها، در رابطه با شمانشان داده، با این تصویر واهی که گویا میتوان با این اقدامات، رشدا گاهی توده ها و مبارزه انقلابی آنها را سبک ده و بقاء خود را تضمین نماید، ولی هر سال ماهیت فئودالی این رژیم بیشتر بر کارگران و زحمتکشان عیان میشود، مبارزه طبقاتی تعمیق می یابد، حقانیت شما و آرمانهای انقلابی بر توده ها آشکار میگردد. امروز که جمهوری اسلامی بهانه ای برای فرار از پاسخگویی بمسائل و معضلات توده ها ندارد در مقابل مردمی قرار گرفته است که بار بحران اقتصادی و استثمار و چپاول و فلاکت عمومی از یکسو و اختناق و سرکوب و محو کامل آزادیهای سیاسی از جهت دیگر بردوش آنها سنگینی می کند. تردیدی نیست که مقاومت و مبارزه شما در اسارتگاهها، مبارزه کارگران و زحمتکشان و مبارزه یاران شما به ثمر خواهد نشست و بار دیگر توده ها از زندانها ابرسر جلادان ویران خواهند کرد و زندانیان سیاسی، که مظهر مقاومت انقلاب اند، به آغوش مردم باز خواهند گشت.

خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی!

عزیزان شهید و یار دربند شما، یاران کارگران و زحمتکشان، در راه مبارزه علیه استثمار و استبداد دوبرای آزادی بیباک خواسته بودند و شما بهتر از هر کس شاهد عشق و وفاداری شان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بوده و هستید. پرچم مبارزه ای که این فرزندان دلیر انقلابی برافراشته اند هرگز زمین نخواهد افتاد، چرا که همسنگران رفقای شهید و یار دربند، کارگران و زحمتکشان آگاه و انقلابی، رهائی خود را در ادامه راه آنان میجویند!

کمونیستها، انقلابیون و مبارزین دربند، فریادشان در چارچوب سیاهچال های رژیم اسلامی محصور است. شما زبان آنها، فریاد مقاومت آنها، افشاگر چهره برکریه و سفاک رژیم اسلامی و بیگ قهرمانان دربنده هستید.

شعار پیکاری برای آزادی زندانیان سیاسی را بگوش توده ها برسانید! صفوف رزمنده خود را فشرده تر کنید، تشکل خانواده شهدا و زندانیان سیاسی را سراسری کنید! مبارزات علنی خود را گسترش دهید و جنایات رژیم در زندان ها را افشا کنید!

تنهارا وفاداری به آرمان شهدا، تنهارا نجات جان زندانیان سیاسی، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است.

- جاودان باد یاد تمامی شهدای انقلاب!
- پیروز باد مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی!
- درود بر خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی!
- سرنگون باد جمهوری اسلامی!
- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

## پیام به سازمانها، محافل و عناصر کمونیست و انقلابی

یکسال پیش در نتیجه شیوه های ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه رهبری خودمختب راه کارگر، انشعابی به سازمان ما تحمیل گردید، و اکنون که بیش از یکسال از قلع و قمع وسیع کادرها، اعضا، و هواداران توسط دفتر سیاسی می گذرد دوما در این مدت شاهد ابعاد فاجعه بار و رسوائی این شیوه برخورد در احزاب در قدرت بودیم و متأسفانه رفقا نه تنها تاکنون نسبت به اقدامات خود اظہار پیشیمانی نکردند و حاضر به پاسخگویی نسبت به کردار غیر مسئولانه شان به جنبش و انتقاد از خود علنی نگشته اند، بلکه همچنان به سبک فرقه ای و عقب مانده خود ادامه میدهند. اقدامات رهبری خودمختب در شرایطی انجام گرفت که بیش از هر زمان دیگر کمونیستها موظف بودند صفوف خود را فشرده سازند و دوش بدوش هم در پیوند با طبقه کارگر، مبارزات خود را سازمان دهند و مابا توجه و احساس مسئولیت نسبت به همین ضرورت وحدت کمونیستها بود که "قطعنامه وحدت" مصوبه مجمع نمایندگان معترفین را در سطح جنبش طرح نمودیم، ولی در پاسخ، نشریه راه کارگران محفل حاکم بر سازمان، ما را انحلال طلب، فراقیونیست و... خطاب نمود و اتهامات نارقیقانه ای را به رفقای مان نسبت داد و نشان داد که آنان منافع فرقه ای - محفلی خویش را بر تن دادن به اصولیتها و منافع کل جنبش ترجیح می دهند.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، با احساس مسئولیت نسبت به الزامات مبارزه طبقه کارگر و در پاسخگویی باین نیاز، فعالیت خود را آغاز می کند و بدور از فرقه - گرائی های مرسوم بر پایه اصول برنامه ای و حزبی خود، جهت وحدت کمونیستی تلاش خواهد نمود.

محافل و عناصر کمونیست!

جنبش کمونیستی کشور ما علیرغم ضعفها و کاستی های جدی، دارای نقاط قوت و برجستگی هائی است که ظرفیت و شایستگی پیوند با طبقه کارگر و هدایت مبارزات توده ای را داراست. وحدت مارکسیست - لنینیستها و روند تشکیل حزب طبقه کارگر امری است که بر خود مسئولانه نه تنها سازمانهای کمونیست، بلکه تلاش پیگیرانه و شرکت فعال نه یکایک محافل و عناصر کمونیست را طلب میکند.

جنبش کمونیستی که یکی از حساس ترین شرایط تاریخی خود را از سر می گذراند، از رفقای کمونیستی که از ظرفیت فعالیت حزبی برخوردارند، ولی بدلا بلی منفرد بوده و بیاد محافل متشکل هستند، می طلبد که در این شرایط دشوار تنها انتظار نگر نبوده و نقش و جایگاه خود را در این روند ریافته و خودنیز برای چیره شدن بر معضلات مذکور مداخله فعال عملی نمایند. ما، سازمانها، محافل و عناصر کمونیست را به تشدید مبارزه برای تسریع روند وحدت مارکسیست - لنینیستهای انقلابی دعوت میکنیم، زیرا که این نیاز امروز و عاجل طبقه کارگر و توده های ستمکش ایران است، و در پاسخ به مبارزات توده ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، ما ایجاد دبلوک انقلابی - دمکراتیک (بر پایه پلاتفرم چپ - کارگری) را، بمثابه ستون اصلی جبهه براندازی پیشنهاد می کنیم!

- سرنگون باد جمهوری اسلامی!
- برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
- زنده باد وحدت رزمنده مارکسیست - لنینیستهای ایران!

## پیام به کارگران وز حمتکشان

بیش از یک دهه از انقلاب شکوهمند شما گذشت و در این مدت که بر ویرانه‌های نظام مستم‌شاهی، استبداد فقه‌دستی حکومت راند، حاصل سیاست‌های فسادگرایی و فسادگرایی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی را شما با پوست و گوشت خود لمس کردید.

حمله به دستاوردهای انقلاب شما با سرکوب شوراهای کارگران و دهقانان، تعقیب و بیگانه‌سازی و انقلابیون شروع شد و سرعت اختناق و سرکوب، شکنجه و اعدام و بی‌حقی عمومی ابعاد فاجعه آمیز زیادت و کمتر کارخانه و محله‌ای را می‌توان سراغ گرفت که از دست رژیم مگر خون‌خواریت در امان بوده باشد و انقلابیون و مبارزین را در راه آزادی و سوسیالیسم از دست نداد باشد.

رژیم اسلامی با اهداف توسعه طلبانه و بقصد ایجاد امپراتوری اسلامی با استقبال جنگ‌نازحاجی ۸ ساله شتافت که سرمایه‌های هنگفت معنوی و مادی شما کارگران وز حمتکشان را بنا بودی که آوار لطمات و آوار ده‌سالگیان در از از سیمای کشور ما زایل نخواهد شد!

رژیم اسلامی زیر پرچم دروغین مبارزه با امپریالیسم دفاع از منافع واقعی امپریالیست‌ها که همانا حفظ و بازسازی نظام سرمایه‌داری است، پرداخت و از همین رو گاه‌گاهش شدید سطح معیشت توده‌ها، گرانی، بی‌کاری، بی‌خانمانی، گسترش فقر و فلاکت و استثمار و چپاول شما را یکسوزا سوی دیگر محو کامل آزادی‌های سیاسی، حاکمیت خفقان، سرکوب، شکنجه، اعدام و تجاوز بی‌حد و حصر به حقوق انسانی مردم، ارمغان رژیم اسلامی برای شما بوده و این خود رسالتی بود که جمهوری اسلامی بهتر از هر مزدور امپریالیسم در دشمنی با منافع شما انجام داده است.

جمهوری اسلامی در طول جنگ‌نازحاجی از پاسخگویی به حتی ابتدائی ترین نیاز طبقه کارگران و حمتکشان به بهانه جنگ‌گرفتار و اکتون که مدت‌هاست جنگ‌موتوقه شده و بایستی خواسته‌های مترکم‌گشته چندین ساله را پاسخ میداد، نه تنها کوچکترین گامی در جهت ارتقاء و بهتر شدن وضع توده‌ها برداشته نشده است بلکه بالعکس شرایط زندگی طبقه کارگران و توده‌های شهروند و ستا بر مراتب دشوارتر گشته و در عین حال شرایط مساعدتری برای استثمار و چپاول بیشتر توسط بورژوازی و علی‌الخصوص "تجار محترم" فراهم گردیده است.

تشدید بحران اقتصادی، گسترش بی‌سابقه فقر و فلاکت و در ماندگی رژیم اسلامی در حل مسائل جامعه زمینه ساز گسترش نارضایتی توده‌ای بوده است که این روند رو به رشد بوده که اکنون در چند ماه اخیر شاهد اعمت‌های کارگری، مبارزات توده‌ای و دانشجوئی، مبارزات سیاسی خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی بوده ایم و بحران درونی رژیم‌نسه تنها کاهش نیافته بلکه عمیق‌تر شده، بخصوص که سیاست بی‌اثر ساختن خط حزب الله (با مصلح جناح تندرو) پیش گرفته شده است.

جناح حزب الله در مقابل باحریفان خود، با انکاء به شعارهای فدا می‌کائی و مستضعف پناهی، به پایه حمایتی اش رومی آورد و در فقدان اتوریته‌ای چون خمینی، تهمینی برای کنترل اختلافات در بالا نبوده و چه بسا که شکاف در بالا به پائین منتقل گشته و موجبات سرباز کردن خشم فروخته توده‌ها گردیده و زمینه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را مهیا سازد.

تجربه انقلاب بهمن نشان داد که در فقدان حضور طبقه کارگر متشکل در صحنه مبارزه طبقاتی و عدم حضور حزب پیشاهنگ کمونیستی اش، طبقات و اقشار بورژوازی کسه سازمان یافته‌اند، بقدرت جنگ خواهند انداخت، کما اینکه قدرت گیری جمهوری اسلامی خود محمول عدم آمادگی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی و ضعف و منفوریت احزاب بورژوازی بوده است.

طبقه کارگر ایران برای اینکه بتواند بمثابه یک طبقه متشکل و ستون اصلی انقلاب اقدام نماید، بایستی از یکسو خود را در تشکل‌های اتحادیه-منفی، در اشکال علنی و مخفی و در بستر مبارزه حول خواسته‌های بیواسطه خویش متشکل سازد و از سوی دیگر پیشروان کارگری با تجهیز ساختن خود به مارکسیسم-لنینیسم، علم‌رهای طبقه کارگر، در محافل کمونیستی خود را سازمان دهند و با ایجاد ارتباط با سازمان‌های کمونیست مبارزه برای تشکیل حزب انقلابی توده‌ای خود را تشدید نمایند.

کارگران، زحمتکشان مبارز!

راه‌کارگر پیش از یک دهه مبارزه انقلابی و کمونیستی خود را پشت سر نهاده است. کارنامه سازمان مانع نمونه در خسانی از تسلیم ناپذیری و مقاومت و مبارزه حماسی کمونیست‌های کشورمان در پی کار علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

زمانیکه احزاب و سازمان‌های فرمیست و اپورتونیست به چکمه‌لیسی رژیم اسلامی مشغول بودند، باران و فرزند ان طبقه کارگر کمونیست‌های وفادار به انقلاب و سوسیالیسم مبارزه علیه آنرا سازمان میدادند و در بیدار دگاه‌های جمهوری اسلامی حماسه‌های مقاومت آفریده و در راه‌های طبقه کارگر، مرگسرخ را بجان پذیرا می‌شدند.

اما علیرغم فداکاری و قهرمانی‌های کمونیست‌های انقلابی ایران و از جمله راه‌کارگرها، طبقه کارگر هنوز از تشکل‌های مستقل طبقاتی و از حزب کمونیست توده‌ای خویش بی‌بهره است و با شنیده‌های جنبش انقلابی و مردمی کشورمان در همین دوام رفته است که برای غلبه بر آن بایستی کمونیست‌ها دست در دست هم داده، صفوف خود را متحد ساخته و تمامی تلاش خود را در راه ایجاد حزب شما، حزبی که پیشروان کارگری و رهبران طبیعی شما صفوف رزمنده آنرا تشکیل دهند، بکار بندند.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر) کارگران مبارز و کمونیست، سازمانها، محافل و عناصر کمونیست را به تشدید مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر دعوت میکند. کارگران، زحمتکشان!

رهائی شما از یوغ استثمار و استبداد، سرکوب و اختناق، شکنجه و اعدام و خطر فلاکتی که پیش روی شما دهان گشوده است، در گرو پی‌کار برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی توسط شما و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، حاکمیت شوراهای اعمال اراده مستقیم کارگران وز حمتکشان است!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

زنده باد سوسیالیسم!

## پیام به اعضاء و هواداران راه‌کارگر

رفقا!

جنبش کمونیستی یکی از سخت‌ترین دوران حیات خود را از سر می‌گذراند و اگر ایشات انحرافی از مارکسیسم-لنینیسم انقلابی در ابعاد جهانی و ملی به بین‌بست رسیده‌اند، حمل این انحرافات زیر پرچم کمونیسم، موجب وارد آمدن لطماتی بر کمونیسم و مارکسیسم-لنینیسم گردیده است. امروزه وظایفی بس مهم و چندانی بیش از گذشته پیش روی ما قرار گرفته است، ما باید دفاع از مارکسیسم-لنینیسم بمثابه علم‌رهای طبقه کارگر در مبارزه علیه ستام و استثمار و آگاه ساختن کارگران نسبت به انحرافات گذشته و کنونی حاکم‌بر احزاب در قدرت با دفاع از مبارزات طبقه کارگر در سطح جهانی و ملی، تلاش برای تدقیق مانی نظری و تشکیلاتی خود، در بستر مبارزه بی‌امان برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، فعالیت کمونیستی‌مان را با عزمی استوار و اراده‌ی پولا دین سازمان دهیم! بی‌تردید نقد کمونیستی شعف‌های گذشته ما را برای نبردهای آتی قوی‌تر می‌سازد و توانمان را در سازماندهی طبقه کارگر برای سوسیالیسم ارتقاء خواهد داد.

رفقا! پس از تحمیل انشعاب توسط رهبری خودمنتخب سازمان، که در مقام پاسداری از سبک کار فرقه‌ای - محفلی و فوق سانترالیستی قرار دارد، معترضین سازمان کنفرانسی خود را تشکیل داده و مبنای نظری و سیاسی - تشکیلاتی خود را اعلام کردند.

مادر شرایطی مبارزه کمونیستی و انقلابی مان را زیر پرچم جدید آغاز کرده ایم که تلاش‌های ما، در دوره پیشاکنفرانسی در جهت وحدت مجدد، با مقاومت فرقه‌ای - محفلی رهبری و ترجیح منافع محفلی حاکم بر وحدت و یکپارچگی کل سازمان، راه هرگونه حرکت اصولی در راستای تأمین وحدت و یکپارچگی سازمان را مسدود ساخته بود.

کنفرانسی ما با صراحت بخشیدن به مبنای نظری و تشکیلاتی خود، تصمیم گرفت تا با نام "اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" فعالیت کمونیستی خود را ادامه دهد و ارگان سیاسی خود - اتحاد کارگران - را منتشر نماید.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مصمم است با حفظ دستاوردهای مثبت و ریادیکال تاکتیکی راه کارگر در مبارزه علیه فریمسم، پیوپولیسم و سوسیال دمکراسی، و با تأکید بر سبک کار حزبی و بدور از گرایش‌های اپورتونیستی سیاسی - تشکیلاتی رهبری خودمنتخب، فعالیت انقلابی خود را سازمان دهد!

مادر حالی فعالیت خود را بطور مستقل ادامه می‌دهیم که پراگندگی کنونی کمونیست‌ها را بیفک طیفه کارگرنمی دانیم، و در راستای وحدت رزمنده مارکسیست لنینیست‌های انقلابی و فائق آمدن بر پراگندگی کنونی جنبش متناسب با توانمان و بر پایه مبنای برنامه‌ای و حزبی مان تلاش خواهیم نمود.

فرقه‌گرایی جنبش چپ ما و عوارض آن بر همگان آشکار است و از دیدیه هیج انقلابی جدی نمی‌تواند پنهان باشد که نیاز مبارزاتی طبقه کارگر و توده‌های ستمکش برای رها نشی از فلاکت عمومی، نمی‌تواند محدود به تلاش‌های فرقه‌ای باشد، از این رو یگانه راه بیرون رفتن از وضعیت کنونی و داع بار و حیات فرقه‌ای - محفلی و دامن‌زدن به مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه در جهت وحدت کمونیستی و فعالیت معطوف به سازماندهی مبارزات طبقه کارگر در تمام اشکال آن است.

اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور!

مبارزه خود را جهت سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تشدید کنید! در جهت سازماندهی مبارزات جاری طبقه کارگر و ایجاد شکل‌های مستقل طبقاتی شان، با اشاعه آگاهی سوسیالیستی و جلب کارگران بصوف اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمثابه الویت تخطی ناپذیر مبارزه انقلابی بکوشید! با رعایت ضوابط امنیتی - ارتباطی با مرکز ارتباطات تماس بگیرید!

صدای ما را بگوش تمامی رفقا، اعضا و هواداران، دوستان ارگان کارگر، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی برسانید! در تکثیر و پخش ارگان سیاسی ما - اتحاد کارگران - بکوشید! اعلامیه‌ها، تراکتها و تبلیغات خود را با نام هواداران اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منتشر کنید!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

## توس از انقلاب یا «پروسترویکا»ی دی کلرک

از صفحه ۷

یوستان اساساً از طریق ANC انجام میگیرد و نقش زیادی در سازماندهی سفیدپوستان انقلابی در راستای جنبش انقلابی و بردن آگاهی سوسیالیستی در میان کارگران داشته است.

طبق قوانین فوق ارتجاعی آبارتاید، با وجود آنکه بیش از ۸۲ درصد جمعیت این کشور را سیاه پوستان تشکیل میدهند، آنان تنها مجازند در ۱۲ درصد کل مساحت این کشور زندگی کنند و خارج از این محدوده از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند. تنها برای فروش ارزان نیروی کار خود می‌توانند اجازه عبور از مناطق سفیدپوستان را بگیرند. اقامت موقت در مناطقی که به نیروی کار آنها نیاز می‌باشد، اقامت گزینند. این اجازه اقامت به محض اینکه کارفرما دیگر نیازی به نیروی کار نداشته باشد لغو می‌گردد و سیاهان باید به منطقه خود بازگردند.

این امر با قانونی تحت عنوان "استقلال و خودمختاری قبیله‌ها" حاکم گردیده است. بدین ترتیب حکومت بخوبی می‌تواند از یکطرف نیروهای منفعل زنان و کودکان سیاه و از طرف دیگر سیاهان را بیچاره و مجبور به زندگی در مناطق جداگانه کند، که این امر چسبه بلحاظ وضعیت اقتصادی مناطق سفیدپوست و چه از نظر کنترل ارتش بیکاران به نفع رژیم است.

نقضی قرار داد کار توسط کارگران جرم جنائی محسوب می‌شود و حداقل حقوق حتی متخصصین سیاه پوست در حد حقوق کارگر ساده سفیدپوست است. سیاه پوستان از حقوق رای بر خور دار نیستند، سطح آموزش آنها بسیار پائین است. بطوری که بودجه تربیتی مدارس سفیدپوست چهار برابر بودجه مربوطه در مدارس سیاه پوست است و حقوق از دواج بین نژادها ممنوع است.

سیاست رژیم نژادپرست در برخورد به تعارضات توده‌ای، عقب نشینی اخیر رئیس جمهور و فرم‌هایش، با آنکه برخی از قوانین ارتجاعی بارشد جنبش توده‌ای تاحدی تعدیل گشته‌اند، اما سابر تشدید فشار و سرکوب استوار بوده است و این مورد تا شنید مشارکتی امیرالیست رژیم پرتورینینز بوده است. اعطای حق رای به دورگه‌ها، آزادی حق از دواج، بالا بردن سطح حقوقی برخی از این طریق تلاش در جهت ایجاد فشار مبنای سیاهپوست، گردن گذاشتن به برخی خواسته‌های اقتصادی کارگران در اثر اعتصابات گسترده و بی‌عقب نشینی در قبال تشکیل اتحادیه‌های کارگری در سال ۷۲ و در نتیجه تشکیل فدراسیون و کنفدراسیون اتحادیه‌های افریقای جنوبی (کوسانو) که نژادیک به ۸۰۰/۰۰۰ عضو رسمی دارد، (هر چند که این عقب نشینی مجدداً با پیشروی سرکوبگرانه ایجاد حکومت نظامی و اعلام ممنوعیت فعالیت برای کوسانو و تمامی سازمانهای علنی و از جمله "جبهه

متحد دمکراتیک" بزرگترین جبهه علنی ضدآپارتاید که بدرستی بمثابه بازوی علنی ANC بحساب می‌آیند، در سال ۸۶ مایان یافت. از جمله این تعدیل‌های نامبرده هستند اهمیت ویژه افریقای جنوبی بخاطر واقع بودن این کشور در دماغه امیدنیک است که محل عبور کشتی‌های تجاری و بازرگانی است. بدین جهت افریقای جنوبی با اهمیت ترین پایگاه امپریالیزم در قاره افریقا است. افریقای جنوبی علاوه بر اینکه صاحب معادن سرشار اورانیوم، مس، روی و نیکل است، دارای منابع بسیار غنی کروم، منگنز و طلا است. ۶۰ درصد ذخیره کروم و ۷۷ درصد ذخیره منگنز جهان در افریقای جنوبی است، و ۷۰ درصد طلا و الماس دنیا از آنجا استخراج میگردد.

اولین جرقه‌های انقلاب در افریقای جنوبی به سال ۱۹۶۰ م برگردید که پلیسی‌ها افریقای جنوبی درده شارپ ویل (Sharpeville) بر روی تظاهرات کنندگان بی سلاح آتش گشودند. ۶۹ کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشت. پس از این واقعه بود که ANC از روی نظامی خود "بیکان ملت" را تاسیس نمود و پس از آن بود که نلسون ماندلا در سال ۱۹۶۲ اجرم "خرابکاری" دستگیر و به زندان ابد محکوم گردید.

بعد از فاجعه شارپ ویل و اوج خفقان و سرکوب در کشور، جنبش انقلابی توانست مجدداً تازه نفس ترم مبارزه را پوی گیرد. این جهش نوین با حمله و خشکانه پلیس بسنه تظاهرات هزاران دانش آموز سیاه پوست که در اعتراض به تدریس اجباری زبان آفریکانس در خیابانهای شهر سووتو دست به اعتراض زدند و در ۲۰۰ نفر زخمی کردند. مدتها مبارز پیاخت داده شد. فاجعه ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ که نام سیاه سیستم آپارتاید در بر تور بار سیاه تر و خشم توده‌های برافروخته را غیر قابل مهار نمود.

از این به بعد افریقای جنوبی شاهد سازمان یافتگی هر چه بیشتر مبارزات کارگران و زحمتکشان و بخصوص تشکیلاتی هر چه بیشتر طبقه کارگر در تشکلهای طبقاتی خود و پیش بردن مبارزه از این کانال نیز بوده است.

ANC پس از کنفرانس آوریل ۸۵ خود سیاست تشدید مبارزه مسلحانه و "غیر قابل حکومت کردن کشور" (که علاوه بر مبارزه مسلحانه از طریق تظاهرات، اعتصاب، تحریم و ... را عملی می‌ساخت) را در پیش گرفت و این در حالی بود که کشور در پی سابقه ترین بحران اقتصادی قرار داشت و این سیاست جدید هم با توجه به اکثریت قوی سیاهان نقش بسزائی در تشدید هر چه بیشتر بحران اقتصاد و شکسته وضعیت سیاسی آشفته داشت. انفجار در معدن طلای "کین لاس" در اول اکتبر ۸۶ و فراخوان بزرگترین اعتصاب تاریخ معادن افریقای جنوبی توسط MVM - پر قدرت ترین اتحادیه کارگری وابسته به کوسانو که بیش از سیصد هزار نفر را به اعتصاب کشانید و اعتصاب پیروز مند کارکنان راه آهن پسرای به رسمیت شناختن اتحادیه شان و بازگرداندن اخراجی‌ها بر سر کارشان که از اواخر سال گذشته آغاز و اخیراً به پایان رسید، نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر افریقای جنوبی و رشد جنبش انقلابی بحساب می‌آید.



به یاد انقلاب شکست خورده بهمن :

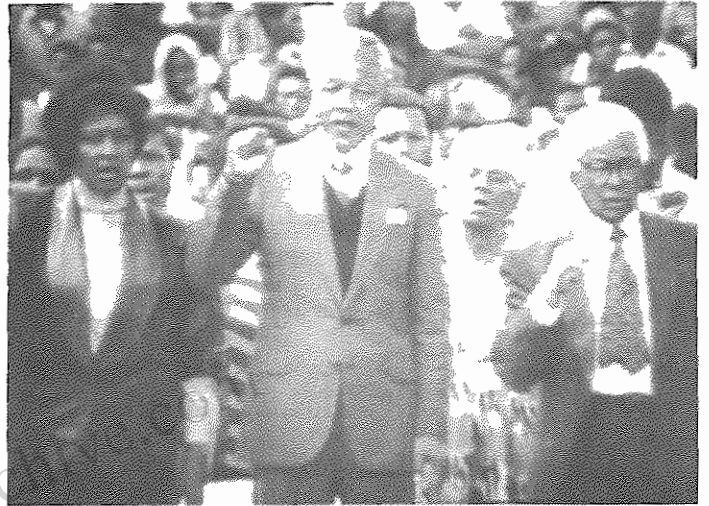
## انقلاب سرخ

نوشم به شادمانی آندم شراب سرخ،  
 کز شرق انقلاب دمد آفتاب سرخ.  
 قربان آندمی که ز خون توانگران،  
 دریای انقلاب شود پر حباب سرخ  
 نازم به آن زمان که به نیروی پتک وداس،  
 دهقان نهد به گردن سلطان طناب سرخ.  
 ای خواجه، خون رنجبر امروز کم بریز،  
 فردا حساب از تو کشد انقلاب سرخ.  
 زاهد زمن ز آتیه خود سؤال داد،  
 تیغی به او نمودم کاینک جواب سرخ  
 خان را شراب سرخ به جام و، ز فرط جوع،  
 ریزد ز دیده دختر دهقانی آب سرخ.  
 در خون شیخ و شحنه وشه واجبست غسل  
 در شرع انقلاب به نص کتاب سرخ.  
 لاهوتی، آن زمان شود آیا که دست علم  
 گیرد ز روی دختر مشرق نقاب سرخ؟

لاهوئی

آوریل ۱۹۲۲

با پیشروی انقلاب تلاش طرفداران امپریالیست سیستم آبار تایید که همواره بسا  
 توسل به سیاستهای رنگارنگ دفاع از رژیم پرتوریا، حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن را  
 برعهده داشتند. در جهت تعدیل سیستم آبار تایید برای حفظ آن، پیشبر سیاسیست  
 "تعهد سازنده" آمریکا و ایجاد یک آلترناتیو در مقابل جنبش انقلابی که نقش آن را  
 "اسقف توتو" و "بوتلزی" بازی می نمودند و تشویق آبار تایید به سازش با این آلترناتیو  
 خیالی، راه بجائی نبرد. ۱۲ ژوئن ۸۶، ۴ روز قبل از فرار سیدن سالگره دقیام سوووتو که  
 دولت نژاد پرست پس از دستگیری بیش از دوهزار نفر از فعالین سازمانهای سیاسی و  
 دمکراتیک و اتحادیه های کاری (از جمله برخی رهبران اتحادیه ها و دبیرکل کوساتسو)،  
 ۱۷ سازمان و تشکل علنی ضد آبار تایید را ممنوع اعلام کرده و اعلام حکومت نظامی نمود، و  
 پاسخ آن که اعدام و تظاهرات بیست و نه از ۹۰ در صد کارگران سیاه پوست در روز ۱۶ ژوئن  
 همان سال با خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان و لغو حکومت نظامی بود، در ابتدا بسا  
 سکوت کامل از جانب محافل خبری امپریالیستی برگزار شد.

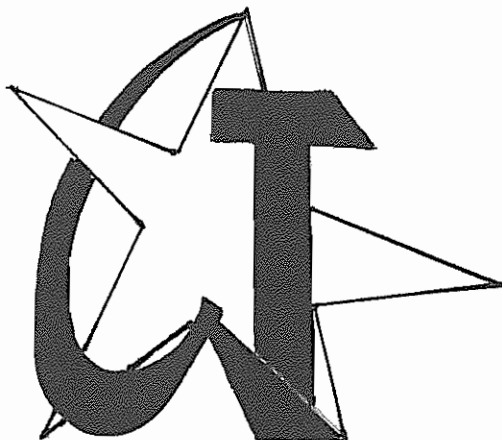


نلسون ماندلا، پس از آزادی از زندان در جلوی تجمع استقبال کنندگان

امپریالیستها در ماندگی خود را با عقب نشینی از سیاست گذشته مبنی بر عدم مذاکره  
 و برسمیت شناختن ANC و بامعوت از "الیور تامبو" (رهبر ANC) نشان دادند،  
 و این آغازی برای درانزوا و بین المللی قرار گرفتن (و البته به صورت کامل) این رژیم  
 نژاد پرست بود که آتش انقلاب موجب آن بود.



هم اینک آفریقای جنوبی به حساس ترین مرحله تاریخی خود نزدیک می شود. فر دریک  
 دی کلرک رئیس جمهور رژیم نژاد پرست با فرم های خود وارد میدان میشود. محافل  
 خبری امپریالیستی تمایل زیادی دارند که این فرم های آقای کلرک را که حتی در صورت  
 اجرای تمامی آنها تحول اجتماعی که هیچ بلکه حتی بسیاری از قوانین بربری حاکم نیز  
 همچنان پایبر جا خواهند ماند، را بعنوان "پروسترویکای" کلرک جابزنند. این فرم ها  
 تنها به قصد باز کردن منافذ تنفسی برای رژیم نژاد پرست، برای نجات منافع امپریالیسم  
 بین المللی و شرکا، داخلی است و نه جز آن! سقوط آبار تایید و به قدرت رسیدن حکومت  
 انقلابی در آفریقای جنوبی عوارض مرگباری را برای کشورهای امپریالیستی بدنسیال  
 خواهد داشت و این همان چیزی است که امپریالیستها و سایر کشورهای سرمایه داری را به  
 مسابقه بر سر دعوت از نلسون ماندلا به کشورشان پس از آزادی، واداشته است، و اعتراف  
 محافل خبری آنها که: "حل معضلات آفریقای جنوبی بدون ماندلا دشوار، و بسودن ANC  
 غیر ممکن است." اماکنگر ملی آفریقا (ANC) و حزب کمونیست این کشور بایستد  
 مبارزه خود را تا براندازی حکومت پرتوریا و رژیم نژاد پرست و جایگزینی حکومتی انقلابی  
 ادامه دهند!



## درسهای انقلاب بهمن ؛ تجربهای برای انقلابی دیگر !

یازده سال از انقلاب شکوهمند بهمن می‌گذرد . انقلابی که برپایه خواستهای برحق توده‌های مردم شکل گرفت و توسط ارتجاع به قدرت رسیده سرکوب گردید . یازده سال خفقان، کشتار، فقر و ویرانی دستاورد رژیم است که برپایه توهّم توده‌ها به قدرت رسید و به سرکوب انقلاب پرداخت تا حاکمیت ضدانقلابی خویش را استوار سازد . طبقه کارگر که ستون فقرات رژیم شاه را درهم شکسته بود، به زیر شلاق استثمار هرچه بیشتر کشیده شد . توده‌های زحمتکش که نیروی اصلی انقلاب را تشکیل می‌دادند، در فقر و محرومیت بیشتر فرورفتند . تشکلهای مستقل کارگری، شوراهای کارگران و زحمتکشان و تشکلهای دمکراتیک که ثمرات اصلی انقلاب بودند، سرکوب و برچیده شدند . حق بیان که از مهمترین دستاوردهای انقلاب برای همه بود، به حق دستگیری، شکنجه و اعدام برای رژیم تبدیل گشت . زنان به وحشیانه‌ترین شکل به زنجیر قوانین قرون وسطایی بسته شدند . دیوارهای فروریخته بالا آمدند، درهای شکسته دوباره بسته شدند، زندانهای قفل-گشوده از انقلاب دوباره به صدها شکنجه‌گاه بدل شدند تا ده‌ها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق را در خود به خون کشند . مرگ - این پیامبر رژیم - با داس جنگ به دروی مردم و بویژه جوانان پرداخت . چندین میلیون کشته، زخمی، معلول و آواره، ثمره جنگی شد که رژیم فقها با جنون بر آن پای می‌فشرد و آنرا نعمت می‌خواند تا سرانجام نکتت آن گریبانش را گرفت و او را وادار به پذیرش تحمیلی آتش بس نمود .

اگر چه بابت کیری حاکمیت از سوی فقها، انقلاب از ادامه خویش بازماند و دستاوردهایش را از دست داد، اما اهداف انقلاب که از عمق محرومیت و خواست دگرگونی نظام نشأت گرفته بود، نه تنها فراموش نگشته و همچنان پایبند است، بلکه با حدتیبایی استثمار و خفقان، لزوم تحقق آن بیشتر احساس شده و پیش از پیش در دستور کار انقلاب قرار گرفته است . پرورنده سپاه جمهوری اسلامی در بازسازی سرمایه، استثمار روز افزون، چپاول و بیکاری هر لحظه امرپایان دادن به حیات سرمایه داری، بمثابه وظیفه اصلی انقلاب را روشنتر می‌سازد . این امر اجزای رهبری طبقه کارگر در انقلاب امکان ناپذیر است . شعله‌های جنبش انقلابی توده‌های زحمتکش که در طی این سالها خاموش نگشته، تنها با تکیه بر رهبری این طبقه قادر خواهد بود به آتشی سوزان علیه جمهوری اسلامی بدل شود؛ طبقه‌ای که با گذشت یازده سال از عمر ننگین جمهوری اسلامی، نسبت به اقشار دیگر پیشترتیرین حرکات اعتراضی را برای کسب خواستهای سازمان داده، تنها نیروی می‌باشد که قادر است نظام سرمایه را درهم کوبد و خواستهای واقعی انقلاب را متحقق سازد .

واقف بودن بروظایف اصلی انقلاب، لزوم پافشاری بر مبارزه در راه سازماندهی مستقل کارگران را بعنوان یک طبقه متشکل نموداری سازد و این امر باید در مدر و وظائف نیروهای کمونیست و انقلابی قرار گیرد . امروزه بارش در جریان سوسیال دمکرات و فرمیست، کرامیداشت انقلاب بهمن و یادآوری اهداف آن از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد . باید " یادآور " شد که انقلاب ایران تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و نابودی حاکمیت سرمایه به اهداف خود دست خواهد یافت و خواست نابودی حاکمیت سرمایه، خواست اساسی انقلاب بهمن بوده است و اهداف آن نه در چارچوب یک نظام بورژوازی و تبدیل طبقه کارگر به زائده طبقات دیگر، بلکه بر عهده یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر و پیشروی بی‌وقفه بسوی سوسیالیسم است .

یادآوری درسهای انقلاب بهمن، علاوه بر هزاران زخمی و معلول، ما را به یاد ده‌ها هزار شهیدانقلاب می‌اندازد که در راه اهداف شریفشان جان باختند؛ به یاد تمامی استثمارشدگان، گرسنگان و محرومانی که در باتلاق نظام سرمایه داری و خفقان سپاه جمهوری اسلامی گرفتارند و علیه آن چاره‌اندیشی و مبارزه میکنند .

درسهای انقلاب بهمن تمامی کمونیستهارا به برخورد جدی و ریشه‌ای به ضعفهای گذشته و حال و لزوم هرچه بیشتر سازماندهی طبقه کارگر برای دفاع از دستاوردها و به انجام رساندن انقلاب آتی فرامیخواند؛ فراخوان به سازماندهی طبقه‌ای که آگاه و متشکل فداکار و تلاش خستگی ناپذیر تمامی شهدائی که در راه دمکراسی، استقلال و سوسیالیسم جان باختند را دنبال نموده و به سرانجام رساند .

سرنگون باد جمهوری اسلامی ! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

شورای رهبری

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۲ بهمن ۱۳۶۸

ستون آزاد تریبونی ست برای انعکاس نظرات اعضا، هواداران و دوستان اتحاد کارگران

ستون آزاد

## واما چه کسانی هم رنگ جماعت می شوند؟..

در اروپا، آقایان فراموش کرده اند که بیش از نیم قرن در کشورهای سوسیالیستی گرایش استالینی همین دفتر سیاسی حاکم بوده است، و در آنجا خبری از ترسکی، نه غول سوسیال-دمکراسی، نه آزادی بی قید و شرط اعضا، حزب در بیستان نظراتشان و غیره بوده. آنچه امپریالیسم و عمال آشکار آن به کمک تبلیغات و اقدامات خود نتوانستند هیستری ضد کمونیستی، احیای و بازگشت سرمایه داری و انحطاط روحی و سیاسی مردم در بسیاری از این جوامع بدست آورند به برکت تسلط همین "روشنفکران جاه طلب" و "باندباز" بر رهبری این احزاب، این پدر خوانده های به اصطلاح طبقه کارگر فراهم شد، و هر جاکه در این کشورها برای کمونیست ها آبرویی هست متعلق به معترضین، اخراجیون، تبعیدی ها و سر به نیست شدگان است که رد تن خون آلودشان بدست تاریقان به اصطلاح کمونیست در تاریخ بیش از شش دهه گذشته جنبش کارگری کمونیستی دیگر قابل حاشای دفتر سیاسی سازمان به اصطلاح کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) همینست!

عدم تمسویه حساب بنیانی با این گرایش منحنط و بازنگری راه طی شده آن خطری اساسی است که هستی این جنبش عدالتخواهانه و پیشرو - یعنی جنبش کارگری و کمونیستی - را نشانه گرفته است.

بهروز

شان را در مقابل انحطاط راه و روش های استالینی روی امواج توفانی تحولات اخیر روی آب نگاهدارند، طرفدار ابراز عقاید مخالفان شدند! اما مشت عوام فریبان همیشه بسته نمی ماند، کسانی که از واقعه شکل گیری معترضین تحت نام هیئت اجرائی موقت اطلاع دارند و روند حرکت ما را دنبال می کنند قطعاً اعلامیه ما را تحت عنوان "بایکوت سیاسی نیروهای انقلابی محکوم است" خوانده اند و می دانند که ما در آن اعلامیه خواستار تشکیل کمیونی برای رسیدگی به ادعاهای دفتر سیاسی مبنی بر "اقدامات ضد امنیتی" دوتن از رفقا و تقسیم امکانات سازمانی شدیم. اما آقایان که گویا اموال سازمانی ارث پدرشان است نه عمدتاً محصول کار بی دریغ شبانه روزی همین نیروهای معترض، نه تنها جوابی نداده اند بلکه از آنها در خدمت اتهام و دیگرگون کردن خواست های برحق مخالفان نمودند و آنانرا "مشتی خارج کشور نشین"، "بریده" و "سوسیال-دمکرات" و غیره نامیدند، آنها نه تنها در محروم کردن معترضین از امکانات سازمانی برای بیان نظراتشان کوشیدند، بلکه هر جاکه حرکتی دمکراتیک یا کمپته ای برای اقدام بر علیه حقوق پناهندگان و مبارزه ضد نژادپرستی شکل گرفت آنها حضور خود را مشروط به اخراج نیروهای معترضین نمودند (نمونه برلین، هامبورگ و هانوفر) این است معنای واقعی آزادی سیاسی تحت حکومت دفتر سیاسی، تازه آنهم در محل های فعالیت نیروهای ایرانی

جنبش های توده ای کشورهای سوسیالیستی خصوصاً مجارستان، لهستان، ۰۰۰ و سرانجام قیام خونین مردم رومانی بر علیه رژیم دیکتاتوری خاندان چاوشسکو، دفتر سیاسی سازمان به اصطلاح کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را دچار تب و لرز کرده و ایشان هم مجبور شدند برای حفظ ظاهر و خفه کردن صدای ناراضیان درونی، نشان رابه نرخ روز بخورند و ضمن انتقاد از عقب افتادگی رهبران احزاب کمونیست این کشورها در جواب گوئی به اقدامات گورباچف در دمکراتیزه کردن جامعه لب به انتقاد و بررسی بازکنند!

آقایان چه با وجدان راحت فراموش کرده اند که درست حدود یک سال پیش قریب بیش از یک سوم از اعضا و هواداران خودشان رابه جرم دفاع از حق بیان آشکار نظرات سازمانی وبدون سانسور درونی و بیرونی، اعتراض به روش های غیر دمکراتیک و حقوق ویژه دفتر سیاسی تحت چه عناوینی اخراج نمودند و اگر در اروپا نبود چه گورهای دست جمعی که برای معترضین پیمان می کردند! اما اگر گلوله های معتمدین دفتر سیاسی سینه مخالفان را هدف قرار نداد، اما بیسان و ادبیات ضد کمونیستی و توده ای آنها آنچه در "فضای رفیقانه" داشت در "ستونهای آزاد" نشریه راه کارگر و صحبت های شفاهی نثار معترضین شد. مدعیان سینه چاک آزادیهای بی قید و شرط سیاسی حتی در حکومت پرولتری (!!!) برای اینکه چند صباحی دیگر قایق شکسته

با کمک مالی خود

به ما

بسازی رسانید

با نشریه

اتحاد کارگران

مکاتبه کنید!

منتشر شد:

اساسنامه موقت

اتحاد کارگران انقلابی ایران

(راه کارگر)

# آزادی کامل بیان، مباحثات ایدئولوژیک علنی واقلمیت سازمانی

سازمانی خواهد بود، و قبل از اخذ چنین تصمیماتی که م. م. می باید مقدمات امر تصمیم گیری تمام تشکیلاتی را از طریق سازمان دهن بحث های سراسری فراهم نماید .  
تشخیص معضلات و گرگها برای بحث جهت تصمیم گیری، از جانب کنگره ها و یا کنفرانس های سراسری و یا کمیته مرکزی انجام میگیرد دو حدنصاب آرا لازم همانند تصمیم دیگر تشکیلاتی نیاز به اکثریت مطلق آرا دارد .  
اماطبیعی است که تنها در روند مباحثات قبل از اخذ تصمیم است که نظرات متفلسات شکل می گیرند و تنها پس از اخذ تصمیم است که رفیق و یا در صدمعینی از اعضا سازمان، یا تصمیم و یا تصمیمات اتخاذ شده توسط اکثریت مخالفند و به عبارت دیگر تنها از آنجا است که اقلیت نظری مفهوم پیدای می کند .

علاوه بر آن در فاصله اخذ تصمیمات تا کنگره بعدی سازمانی همیشه این احتمال وجود دارد که در اوضاع سیاسی و یا پارامترهای متفاوت تغییر و تحولاتی ایجاد شود که عده ای از اعضا سازمان خواهان مباحثه مجدد حول تمویات های مربوطه باشند . در این حالت لازم است برای درخواست اعضا، حدنصاب کمی معینی تعیین گردد، که وجود این حدنصاب کمیته مرکزی را موظف به سازمان دادن مباحثات علنی حول تمویات های مورد تقاضا می نماید : حدنصابی که نظر اقلیت با آنکه به آن کمیته معینی می تواند بمشابه اقلیت سازمانی درخواست گشوده شدن بولتن های ویژه مباحثاتی برای تبلیغ و ترویج نظراتش حول تمویات های معین را داشته باشد . میزان این حدنصاب که در شرایط متفاوت میتواند کاملاً متغیر باشد، خود گویای عمق و اهمیت موضوع در تشکیلات خواهد بود . وجود حدنصاب کمی از این جهت ضروری است تا مانع از هرج و مرج و درگیر شدن یک تشکیلات کمونیستی و بکارگیری ویژه امکانات مادی، فنی و معنوی آن در بحث های تمام ناشدنی ای شود که ضرورتاً گویای مسائل و گرگها برای جنبش نخواهد بود . مرز این حدنصاب از عوامل متعددی تبعیت می کند که متناسب با این عوامل می تواند محدود و یا گسترده باشد . از نظر ما، با در نظر گرفتن پارامترهای گوناگون و عمدتاً با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، وضعیت جنبش توده ای در طبقه جوشید سرکوب و اختناق و اوضاع نابسامان اقتصاد در داخل ایران در کنار برآیندگی و عدم انسجام حزب انقلابی، که تسلط فرقه گرائی و سکتاریسم از مهمترین دلایل این پراکندگی اند، زندگی فرقه ای و ساخت تشکیلاتی بوروکراتیک، وجود سازش ایدئولوژیک بجای مبارزه ایدئولوژیک با تمامی نتایج اجتناب ناپذیرش در عمده جریانات سیاسی انقلابی موجود و در کنار همه اینها مسئله مهاجرت رهبری و بخش زیادی از نیروهای سازمانها به خارج کشور و عدم وجود ارتباط زنده با نیروهای تشکیلاتی در داخل کشور، در شرایط فعلی حدنصاب از اعضای تشکیلات، مرز مناسبی میباشد .

مباحثات ایدئولوژیک علنی بلحاظ اجرائی، چه بطور فردی در صفحاتی که در نشریه مرکزی به این منظور اختصاص یافته اند و چه سراسری و عموم تشکیلاتی هر یک بطور جداگانه از ضوابط خاص خود هر دو از ضوابط عمومی مشترکی تبعیت می نمایند . این ضوابط که از قوانین عمومی زندگی حزبی سرچشمه می گیرند، در آئین نامه مربوط به ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی، مصوبه کنفرانس ما، فرموله شده اند .

اولین قدم برای جاری نمودن مباحثات ایدئولوژیک فعال و سازنده در یک سازمان کمونیستی، ایجاد راه های قانونی و حزبی برای بیان علنی نظرات مخالف با مواضع اکثریت (و یا رسمی) سازمانی است .

حق انکار ناپذیر هر عضو سازمانی در ابراز نظراتش و استفاده از آن، خود بمشابه ابرازی مهم برای سازمانیابی گرایشات متفاوت نظری در حزب، شناخت معضلات و گرگها برای واقعی در درون یک تشکیلات و جنبش و خلاصه زمینه ساز شرایط برای مبارزه ایدئولوژیک علنی سازمان یافته در سطح کل یک تشکیلات حول نیازهای واقعی جنبش طبقه کارگر و نتیجتاً پالایش حزب از گرایشات و نقطه نظرات انحرافی محسوب می شود .  
عدم وجود این حق ابتدائی در تشکیلاتها و سازمانهای سیاسی انقلابی، عموماً میاد در بهترین حالت به سازش ایدئولوژیک در بالا و بی نظری در بدنه تشکیلات و یا به بروز اختلافات پنهان شده به اشکال غیر حزبی و انفجار بمشابه زاده اجتناب ناپذیر این کمبود، منجر می گردد .

بدین منظور و برای برداشتن این اولین قدم، باید صفحاتی از ارگان مرکزی سازمان جهت ابراز مخالفت و بر خور دیدانظرات اکثریت (و یا رسمی) سازمانی اختصاص داده شود . این ستون از نشریه که از ضوابط عمومی مبارزه ایدئولوژیک علنی، تبعیت خواهد نمود، همیشه برای اعضا تشکیلات جهت بیان مخالفت با نظرسرمانی و یا اظهار نظر در عرصه هائی که موضع رسمی وجود ندارد، نیاز خواهد بود .

چنین ابزار تشکیلاتی، در کنار روال طبیعی کار نشریه - پیشبر دو تبلیغ و ترویج مواضع رسمی و یا اکثریت یک سازمان - در واقع آئینه ای است برای شناخت و انعکاس اولیه گرایشات و اختلاف نظرات - این ستون از نشریه بر خلاف بولتن های مباحثاتی که به بحث های عموم تشکیلاتی توسط آنها گشوده می شود و محدودیت های معینی را بلحاظ تعدد تمویات سازمان بحث دارند، به غیر از ضوابط عمومی مبارزه ایدئولوژیک علنی از هیچ محدودیتی تبعیت نمی کند .

اما تنها اختصاص این صفحاتی حقوق اقلیت های سازمانی در ابراز و هم چنین تبلیغ و ترویج نظراتشان را تامین نمی کند . در اینجا اشاره به این نکته لازم است که چگونگی تامین حقوق اقلیت در یک سازمان کمونیستی، متناسب با شرایط مشخصی می تواند اشکال متنوعی داشته باشد . به عبارت دیگر در یک تشکیلات کمونیستی بدون آنکه تحت هر شرایطی حق اقلیت سازمانی در تبلیغ و ترویج نظراتش انکار شود، جاری ساختن این امر در اجرائی می تواند اشکال کاملاً متفاوتی بخود بگیرد . ولی آنچه مهم است همواره باید اشکال حزبی متناسب با شرایط و شناخت و آن رابطه قوانین جاری حزبی تبدیل نمود .

در یک تشکیلات کمونیستی، که بر اساس اصول سانترالیزم دمکراتیک اداره می شود، قبل از اخذ تصمیمات حول خط و مشی و سیاست های عمومی، باید مباحثات با شرکت وسیع ترین تعداد ممکن از اعضا، سازمانی باشد .

بعبارت دیگر در روند طبیعی کار تشکیلاتی تجدیدنظرهای برنامه ای و اساسنامه ای و یا تصمیم گیری و موضع گیریهای خارج از چارچوبهای تعیین شده در کنگره ها و یا کنفرانس های سراسری تشکیلاتی، از اختیارات کمیته مرکزی خارج، و بعهده کنگره

از منحه ۱

## جنبش چپ و فعالیت آنی ما

وزمینه سازیهای اولیه و فراهم نمودن مقدمات کار دوره های دوم و سوم برای کار در داخل و فعالیت کارگری خواهد بود . این دوره که تا مراحل نزدیک به کنگره همان طول خواهد کشید، دوره فعالیت سیاسی مان در خارج، تمرکز حول مسائل گرهی جنبش چپ تاحدی که در تسوان ماست، سازماندهی کار تخمینی و پرورش نیرو در

توانند نشریه ای اساساً سازمانگر، تبلیغی برای کارگران پیشرو و توده کارگران باشد . ارگان مانشریه ای سیاسی و تئوریک بوده که اساساً حول گرگها و مباحث جنبش چپ در زمینه های مختلف برنامه ای، اساسنامه ای و تاکتیکی، مسائل متحول جاری و بر خور دخول مسائل ریشه ای و گرهی سازماندهی طبقه کارگر و وضع هائی که در این زمینه وجود دارد . . . خواهد بود .

حوزه هائی که نقاد و برای مراحل بعدی بدان نیاز مندیم، تلاش برای سازماندهی وحدت های اصولی بر اساس پرنسپهای برنامه ای و اساسنامه ای که به آن معتقدیم، سازماندهی مباحث تئوریک حول مسائل پیشرو کنگره ایمان، سازماندهی و تهیه مقدمات لازم حول تدارکات و مالی خواهد بود .  
طبیعی است که نشریه مورد نظرمان در این دوره نمی

برای تشکیل حزب طبقه کارگر، پیش به سوی برنامه کمونیستی و سازماندهی توده ای کارگران!

سپاس!

طرحهای زیربمنظور انتخاب عنوان نشریه و نام تشکیلاتی ما ازسوی دوستان و رفقا دراختیارمان قرارگرفتند. ما طرح حاضر عنوان نشریه را از میان آنها برگزیده وامیدواریم بتوانیم از بقیه آنها نیز درموارد مناسب استفاده نمائیم. بدین- وسیله از همه دوستان و رفقای که دراین زمینه با ما همکاری نمودند سپاسگزاری میکنیم.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران\*

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

انقلابی ایران

راه کارگر

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران

اتحاد کارگران  
انقلابی  
ایران

اتحاد کارگران  
انقلابی  
ایران

اتحاد کارگران  
انقلابی ایران  
راه کارگر



### توضیح !

اتحاد در عمل و آزادی کامل مباحثه و انتقاد توسط اعضا، سازمانی یکی از پرنسبهای حزب لبنینی است. این اصل که راهنمای عمل کمیونستها در مناسبات درون سازمانی در حوزه عمل مشترک و ابراز نظر آزاد اعضا، در مقابل نظر رسمی و ابراز نظر اقلیت در مقابل اکثریت است، می باید در تمامی روندها و فعالیتها نمودار شود. در همین رابطه کنفرانس ما مقرر نمود که بمنظور جاری داشتن و انعکاس این اصل در فعالیتها و علاوه بر آنچه که به مباحثات عمومی، انتشار بولتنها و غیره مربوط میشود، صفحاتی از نشریه اتحاد کارگران، برای درج نظرات رفقای عضو اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اختصاص یابد. صفحات یاد شده امکان ثابتی هستند که در هر شماره برای رفقای مخالف نظر رسمی در نظر گرفته شده است، و در هر شماره که نظرات مخالف دریافت شوند، برای درج و انعکاس آنها بازنخواهد بود که ضوابط اجرایی آن منطبق بر آئین نامه مربوطه، مصوبه کنفرانس، خواهد بود.

## نقدی بر مواضع کنفرانس در قبال: جمهوری دمکراتیک خلق

دمکراسی باید در کردار انقلابی شود (لنین)

خلق، حل سیاست متناقض سازمان در رابطه با سیاستهای ائتلافی یا در مسائل اساسنامه ای با طرح حق گرایش مبارزه ایدئولوژیک علنی کامل و حقوق اقلیت نظری را دچار تناقض نموده است، بلکه بیشتر مبارزه و ابرای حاکمیت خرده بورژوازی و سهم بیشتر او در کناری و ولتاریا، درگیر است. در واقع منافع خرده بورژوازی را بر منافع پرولتاریا ترجیح می دهد. درکی را که - بابا علی و جناح - د. س از در هم شکستن ماشین پرولتاریک - نظامی دولت بورژوازی ارائه می کنند در چهارچوب یک تحلیل مبارزه ضد استبدادی زندانی است.

خرده بورژوازی میانی از جمله نیروهای است که در صحنه سیاسی جامعه می تواند وجود داشته باشد ولی نیروی محرکه انقلاب نیست، خرده بورژوازی میانی یک نیروی متزلزل و بیبانی و ناپایگیر در امر مبارزه برای خواسته های انقلابی است. آیا باید او را از زیر نفوذ بورژوازی بیرون کشید؟ بله، البته پرولتاریا با بیستی او راه صوف خود جذب کند. توهم پرانگی پیرامون خرده بورژوازی میانی بعنوان نیروی محرکه انقلاب به نمانده گرفتن رابطه پرولتاریا با این نیرو منجر شده و تحلیل دیپلماتیک و مصلحت گرایانه را جایگزین منافع پرولتاریا در سیاستهای ائتلافی می کند.

یک فاکت: - بابا علی برای اینکه نشان دهد خرده بورژوازی میانی در ترکیب دولت جمهوری دمکراتیک خلق وجود دارد چند فاکت از لنین آورده، از خرده بورژوازی بطور کلی نامی برد، در حالیکه قصد دارد نظر خود را با نقل قول فوق ثابت کند می نویسد: "خرده بورژوازی آماده است تا همراه با پرولتاریا موقتاً از محدودی نظم بورژوازی فراتر رود." لنین می گوید: "جنگ چنان مناصب بی سابقه ای را برای کشورهای محارب سبب شده است و در عین حال تکامل سرمایه داری را به چنان درجه فوق العاده ای تسریع نموده، سرمایه داری انحصاری را به سرمایه داری انحصاری دولتی تبدیل نموده است که نه پرولتاریا و نه خرده بورژوازی دمکرات انقلابی نمی تواند در محدوده چارچوب سرمایه داری باقی بماند." (ص ۲۶، نامه به یک رفیق - بابا علی) نقل قول از لنین: (بعبدالرحمن ۱۹۱۷، ۲۸ سپتامبر - برنامه رزی سوسیال دمکراسی در اولین انقلاب روسیه ۷- ۱۹۰۵ مندرج در کلیات آثار جلد ۱۳ - ص ۴۳۰)

آیا کل خرده بورژوازی و بیلابیه میانی آن دمکرات انقلابی است؟

پایگاه طبقاتی دمکراتهای انقلابی کدام لایه از خرده بورژوازی است؟

بنابراین جازدن این خرده بورژوازی میانی بعنوان دمکرات انقلابی تلاشی بیپوده است. خرده بورژوازی دمکرات انقلابی لایه پائینی خرده بورژوازی (تهیدستان شپرو روستا) است.

به بند ۲ قطعنامه راجع به اختلافات برنامه ای برگردیم:

"۲- خرده بورژوازی به خودی خود نه ویران گر نظام بهره کشانه سرمایه داریست و نه سازنده سوسیالیسم، لایه های آن پس از تجزیه طبقاتی که به سمت پرولتاریا میگرایند در دوران انتقال به اعتبار پرولتاریا و نقش همونیگ آن یا وی همراه میگردند." (بند ۲، اتحاد کارگران، ویژه گزارش کنفرانس ۱)

اولاً - کلمه خود بخود غلط است زیرا این توهم را ایجاد می کند گویا غیر از این چنین چیزی می تواند وجود داشته باشد. خرده بورژوازی تحت هیچ شرایطی نه ویرانگر نظام بهره کشانه سرمایه داریست و نه سازنده سوسیالیسم، مگر دیگر خرده بورژوازی

اتحاد کارگران ویژه گزارش کنفرانس ۱ در خصوص مرحله انقلاب ایران قطعنامه راجع به اختلاف برنامه ای را انتشار داده و موضع رسمی اتخاذ نموده است. از آنجا که رفقای ما در کنفرانس نظرات بابا علی را مبنای قرار داده و تصویب نمودند لازم است تا با آنها برخوردی اجمالی داشته باشیم.

اتحاد کارگران می نویسد: از این رو طبق مصوب مجمع نمایندگان تنها نظرش را حول مسئله اساسی مورد اختلاف ابراز داشت این دو محور عبارت بودند از:

الف: مقبندی نیروهای انقلابی در مبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق.

ب: رابطه جمهوری دمکراتیک خلق با دیکتاتوری پرولتاریا.

قبل از هر چیز باید بگویم که در مقام مسأله تاکنون مسائل اساسی مورد اختلاف با رفقای د. س را شناساخته اند و بیایم اطلاعاتی موضوعی بگردانیم. اختلاف شمار قبا جناح د. س در ترکیب نیروهای محرکه انقلاب نیست بلکه در ترکیب نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیک خلق است که البته این موضوع از جانب شامسکوت گذاشته شده و بطور کلی و ابهام آمیز نوشته آید، چنانکه جای تفسیر و تعبیر را باز نگذاشته آید. رفقای جناح دفتر سیاسی خرده بورژوازی میانی را جزو نیروهای محرکه انقلاب می دانند اما جزو نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیک خلق نمی دانند. یکی دیگر از اختلافات با آنها در این است، آیا جمهوری دمکراتیک خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریاست یا نه؟

### جمهوری دمکراتیک خلق و خرده بورژوازی

در سازمان ما همواره تحلیل در باب نیروهای محرکه انقلاب با تزلزلات و نوسانات خرده بورژوازی آلوده بوده است. در جزوات مختلف از جمله متدولوژی مرحله انقلاب و در نشریات مختلف از جمله بیانیه وحدت و جمع بندی مباحثات وحدت از خرده بورژوازی بطور کلی بعنوان نیروهای محرکه انقلاب نام برده شده است. در مقطع اقدام راه فدائی سازش نظری بر سر استالینیسم و نیروهای محرکه انقلاب صورت گرفت. رفقای د. س بشیوه ای نادرست در مورد مبارزه ایدئولوژیک علنی تجدیدنظر کردند (منفی) در مورد ترکیب نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیک خلق به همان شیوه نادرست، اما تجدیدنظرشان درست است (مثبت). البته به توجه به انگیزه های منفی و راست روانه شان - بابا علی و رفقای د. س در خصوص اینکه خرده بورژوازی میانی را جزو نیروهای محرکه انقلاب می دانند دارای گرایش راست روانه ای هستند ولی یکی از نقاط مثبت رفقای د. س در این واقعیت نهفته است. آنها خرده بورژوازی میانی را در ترکیب دولت جمهوری دمکراتیک خلق قرار نمی دهند، در ضمن باید به دو نکته اشاره کرد: ۱- آنها نیروهای محرکه را از نیروهای شرکت کننده در دولت تفکیک می کنند.

۲- تفکیک برنامه به حداقل وحداکثر، جبهه سرنگونی، دولت موقت انقلابی و غیره قصد دارند تا با طیف توده ای بر سر ارث و میراث انقلاب به سازش برسند.

- بابا علی تمایلات راست تری دارد، وی نه با خطر تحمل تناقضات عدم تفکیک نیروهای شرکت کننده در انقلاب و نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیک

نباشد یعنی به صفوف پرولتاریا رانده و جذب شده باشد (تمامی لایه‌های آن).

ثانیاً - قسمت دوم جمله به گونه‌ای تنظیم شده که گویا تجزیه طبقاتی و به سه قسمت پرولتاریا گردیدن لایه‌هایی از آن قبل از دوران انتقال انجام می‌گیرد و مشخص نیست کدام لایه‌ها به سمت پرولتاریا می‌گریند که این در تناقض با نیروهای محرکه انقلاب نامبرده در بند ۱ قرار می‌گیرد.

۳ - بابا علی سخنگوی د. س. را به عدم تعمق در آثار لنین متهم کرده چون فاکت‌هایی که از نامه‌هایی از دور و ترزهای آوریل آورده و با قبول بعضی از رفقای خود همان تمام مقالات دومین انقلاب روس ۱۹۱۷ متعلق به مرحله انقلاب سوسیالیستی است. موصوبه کنفرانس مرحله انقلاب جمهوری دمکراتیک خلق نوع پرولتری می‌داند اما نیروهای محرکه انقلاب و شرکت‌کننده در دولت و هم چنین دیکتاتوری طبقاتی آن را از انقلابات بورژوازمکراتیک به عاریه گرفته است. "پرولتاریا دومتفق دارد: توده وسیع چندین ده میلیونی، یعنی اکثریت عظیم‌هالی که عبارتند از توده نیمه پرولتاریا و تا اندازه‌ای دهقانان خرده‌بای روسیه ..."

پرولتاریا با توافق این دومتفق، با استفاده از خصوصیات لحظه انتقالی فعلی می‌تواند ابتدا بتدریج در راه نیل به جمهوری دمکراتیک و پیروزی کامل دهقانان بر ملاک‌گان و سرنگون ساختن نیمه سلطنت کوچک - میلیوکف و سپس در راه نیل به سوسیالیسم، یعنی یگانگی وسیله‌ای که می‌تواند به ملل رنج دیده از جنگ، صلح، نان و آزادی بدهد، گام بردارد و گام بر خواهد داشت. " (نامه‌هایی از دور مجموعه آثار و مقالات - لنین - ص ۲۴۹ و ۲۵۰ - تأکید دومی از من است)

نیروهای محرکه انقلاب و دولت جمهوری دمکراتیک خلق (ترکیب دولت) عبارتند از: پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و لایه پائینی خرده بورژوازی تهیدستان شهروروستسا یعنی دمکراتهای انقلابی.

### جمهوری دمکراتیک خلق شکیلی از دیکتاتوری پرولتاریاست

در بند ۴ قطعنامه راجع به اختلافات برنامه‌ای آمده است:

"۴ مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی و مستگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتریست و نه نوعی از دیکتاتوری پرولتاریا". کنفرانس با مینا قرار دادن نظر - بابا علی در این زمینه، از او انحرافی تر نظر داد. ۳ - بابا علی در جزوه اختلافات در مسائل تاکتیکی (پاسخی به افتراات سخنگوی حکومت نظامی در تشکیلات ما) قسمت دوم - ص ۶۱ ضمن متهم کردن سخنگوی اکثریت د. س. به مزومه تجدیدنظر در دیکتاتوری پرولتاریا، در حالیکه خود - بابا علی تجدیدنظر کرده بود بعد از ویژه نامه شماره ۲ مباحثات کنفرانس در ص ۲۲ نوشت:

"جمهوری دمکراتیک خلق دیکتاتوری کامل پرولتاریا نیست !!!"

باید اول پذیرفت شکلی از دیکتاتوری هست یا نه بعد بر سر کامل بودن یا نبودن آن باید نظر داد. اما بدتر از همه مصوبه کنفرانس، رفقای ما در واقع زیر همه چیز از دند.

نمایندگان سیاسی پرولتاریا یعنی کمونیست‌ها بایستی منطق مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی پرولتاریا را راه و رسم خود قرار دهند و سوسیالیسم را تا دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهند، مضمون انقلاب را نمی‌توان تقسیم کرد: نصف نقد و نصف اصلی و شاهرگ آن را نسیمه ارائه کرد. مضمون هر انقلابی همان دیکتاتوری طبقاتی انقلاب کننده است. پیشروان کمونیستی که هنوز نتوانند رابطه دولت و انقلاب، دیکتاتوری طبقاتی را درک کنند پس چگونه و برای چه هدفی پرولتاریا را هدایت و سازماندهی خواهند کرد؟ دیکتاتوری در عصر انقلابات انتقال سرمایه داری به سوسیالیسم یا پرولتاریا نیست یا بورژوازی است. نوع دولت جمهوری دمکراتیک خلق نوع پرولتریست و نه نوعی از دیکتاتوری پرولتری است. بورژوازی! رفقان نسبت به ماهیت خرده بورژوازی بعد از گذشت سالها از انقلاب بهمین هنوز توهم دارند.

برنامه انتقالی و مستگیری سوسیالیستی را فقط با شکلی از دیکتاتوری پرولتری می‌توان تحقق بخشید، دیکتاتوری این نوع دولت شکلی از دمکراسی طبقاتی را به نمایش می‌گذارد. شکست انقلاب و کرایشات سوسیالیست‌ها بعضی از رفقار انا می‌دند و به سوسیالیست‌های شرمگین تبدیل نموده است در حرف تا سوسیالیسم می‌روند اما در عمل از دیکتاتوری پرولتاریا می‌گریزند. "اپورتونیسیم مخصوص دایره قبوله مبارزه طبقاتی را به نکته عمده یعنی دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم، بدون سرنگونی و محو کامل بورژوازی نمی‌رساند. در واقع این دوران بطور ناگزیر دوران مبارزه طبقاتی بی‌نهایت شدید و شکلهای بی‌نهایت حاد این مبارزه است و لذا دولت این دوران هم ناگزیر باید دولت دمکراتیک بشکل نوین (برای پرولتاریا و بطور کلی برای تهیدستان) و دیکتاتوری بشکل نوین (علیه بورژوازی) باشد. شکل دولتهای بورژوازی فوق العاده متنوع است ولی ماهیت آنها یکی است: این دولتها هر شکلی داشته باشند، در ماهیت امر حتماً همه دیکتاتوری بورژوازی هستند. دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم البته نمیتواند شکلهای سیاسی فراوان و متنوع بوجود آورد ولی ماهیت آنها حتماً یک چیز خواهد بود: دیکتاتوری پرولتاریا."

(مجموعه آثار و مقالات - لنین - دولت و انقلاب - ص ۵۲۹) جمهوری دمکراتیک خلق نوعی از دولت پرولتری و شکلی از دیکتاتوری پرولتاریاست هر نظر انحرافی که چنین چیزی را انکار کند به اعتقاد ما آشکارا در تضوی لنینیسیم تجدیدنظر نموده است.

حمید

۲۵۰۱۲۰۸۹

## انتخابات در نیکاراگوئه

از صفحه ۲۴

جمهوری سابق آمریکا) تصمیم گرفت تا با "استراتژی دوگانه"، "محاصره اقتصادی و" جنگ پارتیزانی" حکومت ساندینیست‌ها را به زانو درآورد. در این حال ائتلاف ضد انقلابی بورژوازی داخلی برگرد بورژوازی متوسط (از جمله گردانندگان روزنامه لاپرسا و ۱۰۰)، شکل گرفته بود. انتخابات نوامبر ۱۹۸۴ و پیروزی اورتگا با آرا ۶۶/۹۷ درصد، پاسخ دندان شکنی بود به امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی.

با آنکه فشار طولانی مدت امپریالیسم آمریکا رأی لایه‌هایی از توده‌ها را در انتخابات اخیر بسوی ضد انقلاب جلب نمود، ولی آینده نیکاراگوئه عرصه کشاکش و مقاومت انقلاب در برابر هجوم بورژوازی و امپریالیسم آمریکا به دستاوردهای انقلاب نیکاراگوئه خواهد بود و چه بسا اشکال حاد و قهر آمیزی به خود بگیرد.

تلاش برای روشننگری، آموزش و سازماندهی توده‌های تحت ستم حول طبقه کارگر، در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جلب حمایت کارگران و زحمتکشان سایر کشورها محوری‌ترین وظیفه کمونیست‌ها و انقلابیون نیکاراگوئه، و حمایت از انقلاب نیکاراگوئه وظیفه انترنات - سیونالیستی همه کمونیست‌ها در سراسر جهان است.

ساندینیست‌ها در اعماق ریشه دارند! پیروزی کاندیدای UNO در حال حاضر تنها به معنای انتقال صوری قدرت به بورژوازی است و قدرت واقعی هنوز در دست ساندینیست

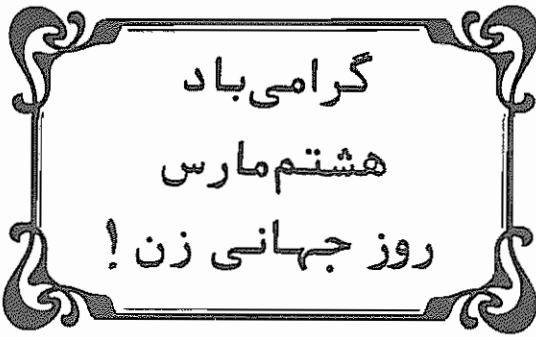
هاست، از این روست که اورتگا می‌گوید:

"ما از پائین حکومت می‌کنیم!"

ساندینیست‌ها را می‌توان چنین برشمرد: یک دهه محاصره اقتصادی و عوارض آن، تورم شدید، جنگ تجار و کارانه عوامل امپریالیسم آمریکا (کنترها)، بعلاوه تاثیرات تحولات اخیر در جهان به موقعیت ساندینیست‌ها لطمه زد و بقول اورتگا: "مردم نه با سر و قلبشان بلکه با شمشان انتخاب کردند!" رأی به خانم سامورو، رأی به نان، رأی به صلح و رأی به بدل‌آمریکائی برای شکم‌های گرسنه بود، غافل از اینکه مسبب مسائل و مصائب فوق خود بورژوازی و امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار بوده وظیفه روشننگری و آگاه نمودن توده‌ها نسبت به نیرنگها و توطئه‌های امپریالیست‌ها و عوامل داخلی‌شان اینک بیش از هر زمان دیگر برای کمونیست‌ها و انقلابیون نیکاراگوئه مطرح است.

انقلاب ۱۹ ژوئیه نیکاراگوئه طی ۱۱ سال گذشته تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوجود آورده، که دستاوردهای عظیمی برای کارگران و دهقانان نیکاراگوئه در بر داشته و از پشتوانه قوی آنها برخوردار است و وجود نیکاراگوئه انقلابی (کوبای جدید) بمثابة پشتیبان مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی در منطقه برای امپریالیست‌ها حادثه‌ای ناگوار بود. به همین جهت آنها از بدو انقلاب توطئه‌های متعددی را علیه انقلاب و بمنظور سرنگونی ساندینیست‌ها سازمان دادند. در فوریه ۱۹۸۱ ریگان (رئیس

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!



گرامی باد  
هشتم مارس

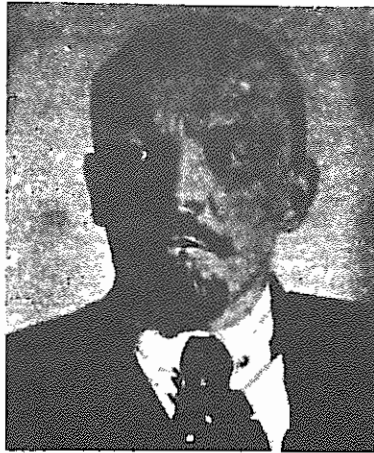
روز جهانی زن!

**زنده باد کمون پاریس!**

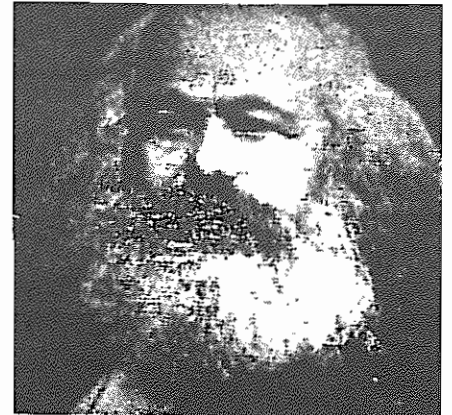
یکصد و نوزدهمین سالروز

کمون پاریس، نخستین حکومت

کارگری جهان را گرامی می‌داریم!



شصت و ششمین سالروز مرگ لنین



یکصد و هفتمین سالروز مرگ مارکس

**انتخابات در نیکاراگوئه**

ویولتا شامورو ( Violeta Chamorro ) کاندیدای ۱۴ گروه و حزب ائتلافی بنام ( Union Nacional Opositora ) اپوزیسیون متحد ملی، در انتخابات ۲۵ فوریه با ۵۴/۷ درصد آراء به پیروزی دست یافت و بدین ترتیب ۵۱ کرسی پارلمانی را بدست آورد. UNO متشکل از احزاب و سازمانهای بورژوازی و ضد انقلابی نیکاراگوئه است که از کمکهای بیدریخ امپریالیسم آمریکا برخوردارند. تنها ۹ میلیون دلار آمریکائی بطور رسمی و کمک های غیر رسمی فراوان امپریالیستها در مبارزات انتخاباتی در کنترارتیلیفات قوی داخلی خارجی - که آنها از جانب امپریالیسم جهانی تغذیه می‌شده - با UNO همراه بود.

پس از یک دهه محاصره اقتصادی، سازماندهی تجاوزات ضد انقلابیون کنتراراهسا، دخالتها و تجاوزات غیر انسانی بی شمار، میلیارد ها دلار سرمایه گذاری برای عملیات تروریستی و خرابکارانه و ۳۰۰۰۰۰۰۰ این بار معرفی تنها یک کاندید از طرف ۱۴ حزب و گروه ضد ساندینیست با وعده خاتمه جنگ، خاتمه خدمت سربازی اجباری، وعده دلارهای آمریکائی برای تامین مسکن و سیر کردن شکمهای گرسنه، شرایط پیروزی کاندیدای ضد انقلابیون UNO را فراهم ساخت. طبعاً تحولات اخیر در کشورهای اروپای شرقی و شوروی، موضع تعرضی امپریالیستها و فقدان قطبی نیرومند در مقیاس جهانی - مشابه حامی و پشتوانه جنبش های انقلابی و ضد امپریالیستی در شرایط کنونی، در تضعیف موقعیت ساندینیست ها موثر بوده و باید گفت که شکست اورتگا در مقابل کاندیدای ضد انقلابیون با تحولات کنونی جهانی انطباق دارد.

اسا پیروزی کاندیدای UNO در حال حاضر تنها به معنای انتقال صوری قدرت به بورژوازی است، کما اینکه مهمترین اهرمهای قدرت هم اکنون در دست ساندینیست ها قرار دارد و چنگ اندازی بدانشا مستلزم هجوم به دستاوردهای انقلاب و نقض قانون اساسی می باشد، که شامورو ظاهراً قول وفاداری به آن را داده است. رئیس جمهور شامورو برای تجدید سازمان ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی ۳۰۰۰ نیاز به تغییر قانون اساسی دارد و برای اینکار به ۶۰ درصد آراء پارلمان احتیاج دارد، در حالیکه اکنون UNO با ۵۴/۷٪ آراء از اکثریت پارلمانی لازم برخوردار نیست، بدین لحاظ رئیس جمهور نقداً گروگان ساندینیست های انقلابی است.

ساندینیست ها در انتخابات اخیر ۸/۴۰ درصد آراء و ۳۹ کرسی پارلمانی را بدست آوردند. اکنون جبهه ساندینیست با اختلافی فاحش نسبت به سایر احزاب و گروههای موجود قوی ترین نیروی سیاسی در نیکاراگوئه است: ارتش خلق، اتحادیه ها، سازمانهای توده ای، سیستم های ارتباطی، حمل و نقل و ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ تحت نفوذ و پیاپی حمایتی ساندینیست ها می باشند. در این رابطه بایار دو آرسه ( Bayar do Arce ) مدیر انتخاباتی ساندینیست ها و یکی از ۹ فرمانده انقلاب ساندینیستی، در تجمع جوانان FSLN (جبهه نجات ساندینیست) گفت: "فرماندهی کل ارتش خلق ساندینیست با برجسا خواهد ماند! ارتش خلق ساندینیست بر اساس قانون اساسی تنها نیروی مسلح خلق و قدرت نظامی است و قوانین خاص خود را دارد و هیچ حکومتی نمیتواند فرمانده کل آنرا تغییر دهد."

در بررسی وضعیت نیکاراگوئه و نتایج انتخابات، علل عمده کساهش آراء

بقیه در صفحه ۲۳

**نشانی های پستی**

**اتحاد کارگران انقلابی ایران**

(راه کارگر)

هلند

P. B 12992

1100 AZ

AMSTERDAM - HOLLAND

آلمان غربی

POSTFACH 700442

2000 HAMBURG 70

W. Germany

**مرکز ارتباطات**

**اتحاد کارگران انقلابی ایران**

(راه کارگر)

۰۴۰-۷۳۱۳۹۹۰

(آلمان فدرال)

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!**